

فهرست

پاسخنامه	متن	واژگان	گرامر	
۳۵۲ ۳۵۶ ۳۶۰ ۵۴۵	گرامر ۲۷ واژگان ۲۸ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۲۳ تست‌های واژگان	۱۰ ۱۴ ۱۸ ۱۹	حرف‌زدن از آینده اسم و هم‌رأثش جمع بستن اسم تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۳۶۴ ۳۶۸ ۳۷۲ ۵۴۵	گرامر ۴۹ واژگان ۵۱ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۴۵ تست‌های واژگان	۳۶ ۴۱	صفت تست‌های گرامر
۳۷۶ ۳۸۱ ۳۸۶ ۵۴۶	گرامر ۷۵ واژگان ۷۷ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۷۱ تست‌های واژگان	۶۰ ۶۳ ۶۶	زمان گذشته استمراری ضمیمه‌های تأکیدی و انعکاسی تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۳۸۹ ۳۹۳ ۳۹۸ ۵۴۷	گرامر ۱۰۲ واژگان ۱۰۳ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۹۸ تست‌های واژگان	۸۶ ۸۹ ۹۲ ۹۴	فعل‌های وجهی (Modals) حروف اضافه مکان و زمان قید حالت تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۴۰۱ ۴۰۸ ۴۱۳ ۵۴۸	گرامر ۱۳۴ واژگان ۱۳۵ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۱۲۸ تست‌های واژگان	۱۱۲ ۱۲۰ ۱۲۲	شمردن اسم‌ها ترتیب اجزای جمله ساده تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۴۱۶ ۴۲۴ ۴۲۹ ۵۴۹	گرامر ۱۶۶ واژگان ۱۶۷ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۶۰	پیشوندها پسوندها فعل‌های دویخشی تست‌های واژگان	زمان حال کامل اسم مصدر و کاربردهای آن تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۴۳۳ ۴۳۹ ۴۴۴ ۵۵۰	گرامر ۱۹۵ واژگان ۱۹۶ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۱۸۹ تست‌های واژگان	۱۷۶ ۱۷۸ ۱۸۲ ۱۸۳	جمله‌های شرطی مصدر و کاربردهای آن صفت‌های مفعولی تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۴۴۸ ۴۶۰ ۴۷۱ ۵۵۱	گرامر ۲۳۹ واژگان ۲۴۱ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۲۲۶ تست‌های تفکیکی و ترکیبی واژگان	۲۰۶ ۲۱۱ ۲۱۵ ۲۱۷	همایندها (Collocations) تست‌های تفکیکی و ترکیبی واژگان
۴۷۵ ۴۸۶ ۴۹۷ ۵۵۲	گرامر ۲۷۸ واژگان ۲۸۱ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۲۶۶ تست‌های تفکیکی و ترکیبی واژگان	۲۵۰ ۲۵۴ ۲۵۷	جمله‌های وصفی و ضمائر موصولی جمله‌های شرطی نوع دوم تست‌های موضوعی و ترکیبی گرامر
۵۰۱ ۵۱۳ ۵۲۴ ۵۵۴	گرامر ۳۱۸ واژگان ۳۲۰ متن‌های کلوز و درک مطلب کلید	۳۰۵ تست‌های تفکیکی و ترکیبی واژگان	۲۹۰ ۲۹۳ ۲۹۷	ضرب‌المثل‌ها تست‌های تفکیکی و ترکیبی واژگان
۵۴۵	پاسخ‌گلدیری	۵۲۸	پاسخ	۳۲۸
				سؤال
				کلوزها و متن‌های سراسری ۹۸ و ۹۹

کتاب دهم

کتاب یازدهم

کتاب دوازدهم



درسنامه

گرامر درس

قسمت اول: حرف زدن از آینده

برای حرف زدن از آینده، چندین راه وجود دارد و انگلیسی‌ها از چهار روش عمده برای بیان این زمان استفاده می‌کنند: زمان آینده ساده، عبارت **be going to**، زمان حال استمراری و زمان حال ساده. کتاب درسی شما دربارهٔ دو مورد اول حرف زده، ولی چیزی از دو مورد آخر نگفته.

زمان آینده ساده

وقتی اطلاعاتی را در مورد آینده مطرح می‌کنیم، یا دربارهٔ اتفاقاتی حرف می‌زنیم که مربوط به آینده است ولی قبلاً در مورد آن فکر و برنامه‌ریزی نکرده‌ایم، از زمان آینده ساده استفاده می‌کنیم. برای ساخت این زمان، کافی است فعل وجهی **will** را در کنار یک فعل ساده قرار بدهیم:

I will find	you will find	she/he/it will find
پیدا خواهم کرد	پیدا خواهی کرد	پیدا خواهد کرد
we will find	you will find	they will find
پیدا خواهیم کرد	پیدا خواهید کرد	پیدا خواهند کرد

• می‌توانیم **will** را به شکل **'ll** کوتاه کنیم و به ضمیر فاعلی بچسبانیم.

I'll find a way. = I will find a way.

• برای سؤالی کردن و منفی کردن، از خود **will** استفاده می‌کنیم. می‌توانیم به جای **will not** از شکل خلاصهٔ آن، یعنی **won't** هم استفاده کنیم.

آیا آن‌ها راهی پیدا خواهند کرد؟ **Will they find a way?**

من تسلیم نخواهم شد. **I will not give up. = I won't give up.**

آینده ساده و کاربرد اصلی آن

برای حرف زدن از آینده، به جز در دو مورد، از زمان آینده ساده استفاده می‌کنیم. ولی اگر بخواهیم کاربردهای اصلی زمان آینده ساده را مرور کنیم، می‌توانیم آن‌ها را در هفت بند خلاصه کنیم:

① وقتی همین الان و بدون برنامه‌ریزی قبلی تصمیم می‌گیریم کاری را انجام بدهیم:

الف: آیا به آژنگ زنگ زدی؟ **A: Did you phone Ajang?**

ب: اوه، نه. الان به او زنگ خواهیم زد. **B: Oh no, I forgot. I'll phone him now.**

② وقتی می‌خواهیم پیشنهاد انجام کاری را بدهیم:

این کیسه سنگین به نظر می‌رسد. من به تو [در حمل آن] کمک خواهم کرد. **The bag looks heavy. I'll help you with it.**

③ وقتی موافقت خود را با انجام کاری اعلام می‌کنیم:

الف: آیا می‌توانی این کتاب را به مریم بدهی؟ **A: Can you give Maryam this book?**

ب: حتماً، وقتی او را ببینم کتاب را به او خواهم داد. **B: Sure, I'll give it to her when I see her.**



متن و مهارت؛ قسمت اول

روش skim کردن چیست و چرا باید آن را یاد بگیریم؟

① متن‌های درک مطلب کنکور، چندان طولانی نیست، ولی مقدار زمانی که برای پاسخگویی به شما داده می‌شود، واقعاً کم است. به همین خاطر، بهتر است به جای خواندن تمام متن، آن را skim کنید. منظور از skim کردن این است که به شکلی هدفمند، فقط قسمت‌های اصلی متن را بخوانیم تا هر چه سریع‌تر، به مضمون اصلی آن پی ببریم. بهترین جا برای skim کردن، خط اول هر پاراگراف است.

② از پاراگراف اول شروع کنید و خط اول آن را بخوانید. به محض این که متوجه شدید مضمون اصلی چیست، آن را رها کنید و سراغ پاراگراف بعدی بروید. اگر خط اول یک پاراگراف را خواندید و مضمون اصلی آن را حدس نزدید، می‌توانید به خواندن ادامه بدهید و خط دوم را هم بخوانید. وسواس نداشته باشید و به خط اول پاراگراف اعتماد کنید. اسم این خط را گذاشته‌اند: topic sentence (جمله بیان‌کننده موضوع).

③ بعضی‌ها معتقدند برای پی‌بردن به مضمون اصلی هر پاراگراف، بهتر است خط اول و خط آخر آن پاراگراف حتماً خوانده شود. فکر بدی نیست؛ ولی کمی وقت‌گیر است و ضرورتی هم ندارد. سعی کنید خودتان را به همان روش اصلی، یعنی خواندن خط اول پاراگراف عادت بدهید.

④ اگر تعداد پاراگراف‌ها زیاد بود، می‌توانید فقط روی ۳ پاراگراف اصلی تمرکز کنید: پاراگراف اول و دوم و آخر. اگر متن نسبتاً بلند بود، ولی فقط ۱ یا ۲ پاراگراف داشت، می‌توانید تعداد خط‌های بیشتری را در هر پاراگراف بخوانید. اگر متن خیلی کوتاه بود، نیازی به skim کردن نیست و بهتر است متن را کامل بخوانید.

⑤ اگر موضوع متن برایتان تازگی داشت، با سرعت کم‌تری skim کنید. اگر موضوع متن برایتان آشنا بود، سرعت skim کردن را بالا ببرید و نترسید. معلومات عمومی‌تان به شما کمک خواهد کرد تا خیلی راحت به مضمون اصلی متن پی ببرید.

⑥ روش skim کردن، در متن‌های غیرداستانی (non-fiction) واقعاً جواب می‌دهد؛ ولی استفاده از آن در متن‌های داستانی، کمی سخت است و مهارت می‌خواهد؛ چون باید علاوه بر کلیات، به یک سری از جزئیات هم توجه کنید: تاریخ‌ها، اسم‌های خاص، ترتیب زمانی رویدادها و ... پس این نوع متن‌ها را فقط وقتی skim کنید، که در استفاده از این روش، حسابی ورزیده شده باشید.

⑦ روش skim کردن، یک مهارت است. یعنی هر چه بیشتر تمرین کنید، بیشتر جواب می‌دهد. باید حداقل ۳۰ تا متن را با این روش حل کنید تا حساب کار دستتان بیاید. باور کنید زیر ۳۰ تا جواب نمی‌دهد! توصیه می‌کنم اوایل کار، زمان نگیرید و عجله نداشته باشید. شما مثل کسی هستید که تازه دارد رانندگی یاد می‌گیرد. روزهای اول، روزهای سرعت‌رفتن و آرتیست‌بازی نیست.

⑧ یکی از دو متنی که در کنکور سراسری ۹۶، به بچه‌های تجربی داده بودند، ۲۴۳ کلمه و ۴ پاراگراف داشت. من فقط خط اول پاراگراف‌های آن متن را این‌جا برایتان می‌نویسم. ببینید می‌توانید مضمون اصلی متن را حدس بزنید.

Paragraph 1, line 1: One of the most important decisions at the time when people grow up and become adults is what job or career to choose.

Paragraph 2, line 1: Although it is often stated that by the time a person is a young adult they will know what they want to “do with their life,” ...

Paragraph 3, line 1: Clearly young adulthood is a period of stress. It is a time for raising a family, finding and maintaining the “right” job ...

Paragraph 4, line 1: As Levinson (1986) has stated, “early adulthood is the era of greatest energy and abundance and of greatest contradiction and stress.”

⑨ منظور از skim کردن این است که وقتی این چهار خط را خواندید و از شما پرسیدند متن در مورد چیست، بگویید: نوجوانی و استرس و این که می‌خواهیم چه کاره بشویم و ... همین!

متن‌های کلوز و درک مطلب

cloze 1

When (151) totally from the surface of the Earth, we say that it has become extinct. Dinosaurs used to roam this planet till the last one died millions of years ago. The dodo bird, which used to live in Mauritius, (152) in 1681 when pigs destroyed their eggs and their young. Today, many animals are faced with extinction. The Californian condor, a majestic bird, and the Siberian tiger are two (153) animals. Certain kinds of woodpeckers and alligators are also on the endangered list. Some of these animals are decreasing in number because people have been (154) them down for their fur and skin. Others were killed in large numbers in the past because they posed a danger to human life. (155), this situation can be reversed before more and more animals become extinct.

- | | | | |
|---------------------------|--------------------------|----------------|----------------|
| 151. 1) animals disappear | 2) the animal disappears | | |
| 3) an animal disappears | 4) the animals disappear | | |
| 152. 1) killed | 2) put out | 3) endangered | 4) died out |
| 153. 1) such | 2) these | 3) such as | 4) those |
| 154. 1) hunting | 2) considering | 3) saving | 4) protecting |
| 155. 1) Recently | 2) Hopefully | 3) Voluntarily | 4) In this way |

cloze 2

Butterflies have amazing ways of (156) themselves from their enemies. One type, known as the monarch, gives out body juices that make it taste horrible to (157) hunters. Another variety, the viceroy, has come to look like the monarch through a process of change called (158) selection. Birds sometimes mistake it for a monarch and stay away from it. The Chryxus arctic butterflies (159) the darkness of their wings according to the kind of rock they rest on to blend with the surroundings. Even the butterfly larvae give off a bad smell when they feel (160)

- | | | | |
|---------------------|-------------|---------------|-----------------|
| 156. 1) taking care | 2) losing | 3) protecting | 4) leaving |
| 157. 1) its | 2) it's | 3) it is | 4) it has |
| 158. 1) national | 2) natural | 3) interested | 4) considerable |
| 159. 1) destroy | 2) bring | 3) put out | 4) change |
| 160. 1) danger | 2) a danger | 3) dangers | 4) the danger |

cloze 3

Dolphins are very popular animals – they are (161) to be clever and friendly and they seem to play and smile all the time. There are almost 40 species of dolphins and watching them in their natural environment is an unforgettable experience. However, the (162) of these marine mammals is in danger. (163) the many threats to dolphins are environmental pollution, noise pollution, habitat (164) and industrial fishing: many dolphins die as by catch in fishing nets or cannot (165) enough food due to overfishing.

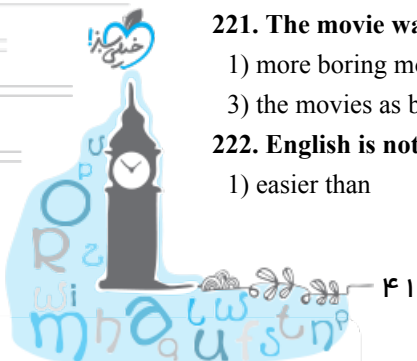
- | | | | |
|--------------------|---------------|----------------|------------------|
| 161. 1) protected | 2) considered | 3) amazed | 4) interested |
| 162. 1) span | 2) average | 3) nature | 4) future |
| 163. 1) Instead of | 2) Among | 3) Between | 4) Because of |
| 164. 1) hunting | 2) injury | 3) destruction | 4) consideration |
| 165. 1) save | 2) find | 3) bring | 4) increase |



تست‌های گرامر

حواستان باشد که تست‌ها با شبیهی ملایم از آسان به سخت چیده شده است. به علاوه، در کنار بعضی از تست‌ها علامت ⊕ وجود دارد. این تست‌ها قرار است شما را به چالش بکشند و شاید لازم باشد برای حل آن‌ها نکته‌ای اضافی را بلد باشید که چه بسا مستقیماً در کتاب درسی مورد بحث قرار نگرفته باشد. در انتها هم تست‌هایی را می‌بینید که در کنکور سراسری آمده است و به نوعی با گرامر این درس در ارتباط است.

- 206. If you ask me, Albert Einstein was the most person in the world history.**
 1) wise 2) sharp 3) great 4) intelligent
- 207. Unfortunately, her illness was more serious and advanced we thought at first.**
 1) as 2) from 3) than 4) that
- 208. All the whales are big, but blue whales are animals on earth.**
 1) bigger 2) the biggest 3) as big as 4) the most big
- 209. Out of all the students in our class, I am**
 1) taller 2) the tallest 3) more tall 4) the most tall
- 210. Australia is big, but not Canada.**
 1) bigger from 2) the biggest in 3) as big as 4) more big than
- 211. This is book I have ever had. I fell asleep as soon as I started reading it.**
 1) a more boring 2) a funnier 3) the most boring 4) the funniest
- 212. Everybody is looking for happiness, but is it really as difficult to find it may seem?**
 1) like 2) that 3) than 4) as
- 213. Asian elephants are heavy, but African elephants are even**
 1) heavy 2) heavier 3) as heavy as them 4) the heaviest
- 214. Smart phones were pricey when they first came out but nowadays they are**
 1) the cheapest 2) as expensive 3) cheaper 4) expensive
- 215. I now that I've done what I needed to do.**
 1) feel happier 2) feel more happy 3) live happier 4) live more happy
- 216. There was an painting hanging on the wall of their bedroom.**
 1) interesting old French 2) old interesting French
 3) old French interesting 4) interesting French old
- 217. Sadly, the conditions they're living in are we thought.**
 1) as worse as 2) worse than 3) as good as 4) better than
- 218. I was very surprised that we got here so quickly. I expected the trip to take**
 1) as long 2) the longest 3) longer 4) as long as it did
- 219. It's to take the train from London to Paris than it is to drive.**
 1) quicker 2) more quick 3) the quickest 4) the most quick
- 220. The medicine that my doctor gave me didn't help my cough, and it even seems to have made it**
 1) worse 2) the worst 3) better 4) the best
- 221. The movie was really boring – one of I've ever seen.**
 1) more boring movies 2) the most boring movies
 3) the movies as boring as 4) the boring movies than
- 222. English is not as difficult as German, but it is certainly many other languages.**
 1) easier than 2) more difficult than 3) the easiest of 4) most difficult of



262. Most of the reasons why a sofa bed is better than a sofa are lifestyle-related, but there are a few things about modern sofa beds that you might not know; for example, a sofa bed is as comfortable to sit on a sofa.

- 1) as 2) than 3) like 4) from

263. Anyway, the dog was, or at least it seemed, of us than we were of it.

- 1) frightened 2) more frightened 3) as frightened 4) the most frightened

264. Older athletes are as likely to achieve their peak fitness athletes.

- 1) younger than 2) than younger 3) as younger 4) younger as

265. Today was Anita's 23rd birthday. She's married a man twice as old as her; so her husband

- 1) is 23 years old 2) has 23 years old 3) is 46 years old 4) has 46 years old

266. The tallest building in the world is the Burj Khalifa located in Dubai. The second building is the Shanghai Tower in China.

- 1) tall 2) taller 3) tallest 4) and taller

267. It's to keep in touch with our friends now than it was 30 years ago.

- 1) very easier 2) much easier 3) more easy 4) much easiest

268. Maryam is than Farhad - she's 19 and he's 18.

- 1) much older 2) a bit elder 3) a bit older 4) much elder

269. The more money he makes, useless things he buys.

- 1) more 2) the more 3) most 4) the most

270. Didn't the woman look lovely in that silk dress?

- 1) beautiful long green 2) long beautiful green
3) green beautiful long 4) long green beautiful

(تہری ۹۳)

271. A: "Can I help you?"

B: "Yes, I'm looking for a dress for my daughter."

- 1) small, pink, cotton 2) pink, small, cotton
3) small, cotton, pink 4) cotton, small, pink

(انسانی ۹۴)

272. I am sorry to say so, but of all is that they have grown used to this pattern of behavior. (انسانی ۹۸)

- 1) things worst 2) worse things 3) the worst thing 4) the worst of things

273. I should say that I haven't seen man than Peter in my whole life so far. (تہری ۹۸)

- 1) as generous as a 2) a more generous
3) the most generous 4) the most generous of

274. The newly employed girl is more efficient they have ever had. (زبان ۹۸)

- 1) than any other secretary 2) any other secretary than
3) secretary than any other 4) any other than secretary

275. The modern train appeared to be going as fast as, perhaps even faster than,

- 1) a car the fastest 2) fastest cars 3) a car is the fastest 4) the fastest car

(فارح ۹۸)

276. Catherine explained the lesson to the class an experienced teacher. (فارح، انسانی ۹۸)

- 1) as good as 2) as well as 3) the best of 4) better than that

277. To me, this job is as difficult to do the one I already had. (ہنر ۹۹)

- 1) as 2) from 3) like 4) that

278. The exercise did not seem to be as easy I thought it would be. (تہری ۹۹)

- 1) that 2) than 3) from 4) as

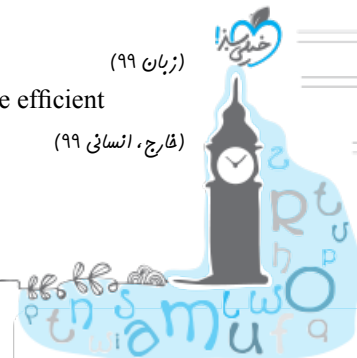
279. Modern motorcycles are lighter, faster, than motorcycles of thirty years ago. (زبان ۹۹)

- 1) more efficient 2) or as efficient 3) and efficient 4) and more efficient

280. The view from the top of the hill was even lovelier than

- 1) at sea level was 2) the view at sea level
3) was at sea level 4) at sea level was the view

(فارح، انسانی ۹۹)



Reading 6

متن زیر متعلق به کنکور سراسری سال ۱۳۸۹ است. این متن را به بچه‌های انسانی آن سال داده بودند. آن روزها متن‌ها پنج‌سؤالی بود، ولی بعدها از هر متن یک سؤال کم کردند. این متن هیچ نیازی به تغییر نداشت و اگر کلمه ناآشنایی دیدید، می‌توانید مطمئن باشید که برای بچه‌های انسانی نظام قدیم هم ناآشنا بوده است. سه تا از سؤالات، گزینه‌هایی بسیار کوتاه دارند که با scan کردن به راحتی حل می‌شوند. من اگر جای شما بودم، اول سراغ آن سه تا می‌رفتم.

④ Nobody knows how long it is possible for a human being to live. Although hundreds of people have claimed to be 150 or more, the greatest certain age to which any human has lived is 120 years 237 days. Shigechiyo Izumi of Japan was born on 29 June 1865 and died on 21 February 1986. The number of people living to be more than 100 has increased: of these most are women.

Many people live to be fairly old, over 80, and then some essential part of their bodies, such as the heart, gives way and death follows. Many others, however, die younger from hunger, disease or accidents.

The number of years a human being may expect to live on average is called his or her expectation of life. "On average" takes account of those who die in childhood as well as the people who live to be old. Women usually live longer than men.

Before ways of preventing or curing disease were known, the expectation of life was not long, even in rich countries. At the end of the 18th century the expectation of life at birth in northwestern Europe and North America was 35 to 40 years. By 1970 it was more than 70 years.

Yet in spite of modern knowledge babies born in many developing countries have an expectation of life of less than 40 years. Some starve, many are weakened by poor diet, and many die from outbreaks of illness caused by people living in crowded areas.

406. Which statement about the passage is NOT true?

- 1) We know for sure that some people have lived over 150.
- 2) Shigechiyo Izumi of Japan lived more than 100 years.
- 3) The greatest certain age to which one has lived is 120 years 237 days.
- 4) The number of people living to be more than 100 years has increased.

407. The passage mentions all of the following causes of death EXCEPT

- 1) hunger
- 2) disease
- 3) wars
- 4) accidents

408. "Expectation of life can be"

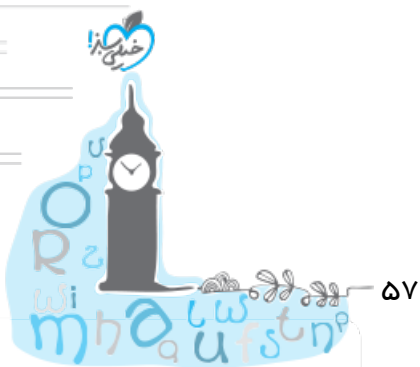
- 1) the number of years that old men live
- 2) the number of those who die in childhood
- 3) the average years a human being may expect to live
- 4) people who die in childhood as well as those who live to be old

409. According to paragraph 4, the expectation of life before ways of curing diseases were known was

- 1) high
- 2) low
- 3) unimportant
- 4) average

410. The expectation of life for babies born in developing countries is

- 1) less than 40 years
- 2) more than 40 years
- 3) mostly at 40 years
- 4) exactly at 40 years



قسمت دوم: ضمیرهای تأکیدی و انعکاسی

ضمیرهای «خودم، خودت، خودش، ...» می‌توانند در دو شکل «تأکیدی» و «انعکاسی» به کار بروند. شکل این ضمیرها در هر دو حالت «تأکیدی» و «انعکاسی» یکسان است. فقط حواستان باشد که در حالت جمع، self- به شکل selves- در می‌آید:

معادل فارسی	جمع	معادل فارسی	مفرد
خودمان	ourselves	خودم	myself
خودتان	yourselves	خودت	yourself
خودشان	themselves	خودش	herself, himself, itself

۱- حالت «تأکیدی»

اگر بخواهیم روی فاعل یا مفعول جمله تأکید کنیم و بگوییم «خود آن شخص، یا خود آن چیز» و «نه هیچ شخص، یا چیز دیگر» از ضمیر تأکیدی استفاده می‌کنیم. ضمیر تأکیدی معمولاً بلافاصله بعد از آن اسم یا آن ضمیر قرار می‌گیرد.

I myself talked to the manager. من خودم با مدیر صحبت کردم. (تأکید روی فاعل)

I talked to the manager himself. من با خود مدیر صحبت کردم. (تأکید روی مفعول)

• ضمیر تأکیدی فاعلی می‌تواند بعد از مفعول و یا بعد از فعل ناگذر (لازم) هم بیاید:

I talked to the manager myself. (بعد از مفعول) من خودم با مدیر صحبت کردم.

They went themselves. (بعد از فعل ناگذر) آن‌ها خودشان رفتند.

• توجه داشته باشید که ضمائر تأکیدی فقط برای تأکید می‌آیند و اگر آن‌ها را از جمله حذف کنیم، معنی جمله به هم نمی‌ریزد؛ در حالی که ضمائر انعکاسی قابل حذف نیستند، چون نقش مفعول جمله را بازی می‌کنند.

• شکل کلی ضمائر انعکاسی و تأکیدی، oneself است. مثال‌ها را بخوانید:

One has to learn to control oneself. آدم باید یاد بگیرد خودش را کنترل کند.

Talking to oneself is the first sign of madness. حرف زدن با خود، اولین علامت دیوانگی است.

• ترکیب ضمیر تأکیدی با حرف اضافه by به معنی «تنها و بدون حضور دیگران» یا به معنی «بدون کمک دیگران» است.

She lives by herself. او تنها زندگی می‌کند.

I often like to spend time by myself. من بیشتر دوست دارم وقتم را در تنهایی بگذرانم.

Do you need help? No, thanks. I can do it by myself.

کمک نیاز داری؟ نه، ممنون. می‌توانم تنهایی انجامش بدهم.

۲- حالت «انعکاسی»

اگر فاعل جمله، کار را «روی خودش» یا «برای خودش» انجام داده باشد، به جای ضمیر مفعولی، از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم. این بحث، بحث مهمی است، و با این که در کتاب درسی اصلاً اشاره‌ای به آن نشده است، در کنکور هنر ۹۹ از آن تست داده‌اند. (تست شماره ۴۸۳ همین کتاب)

We kept ourselves warm around the fire. (NOT ... We kept us warm ...). ما خودمان را دور آتش گرم نگه داشتیم.

Why don't you buy yourself a new car? (NOT ... Why don't you buy you a ...)

چرا برای خودت یک ماشین جدید نمی‌خری؟

Animals protect **themselves** in different ways. (NOT ... ~~Animals protect them in~~ ...)

حیوانات به شکل‌های مختلف از **خودشان** محافظت می‌کنند.

He looked at **himself** in the mirror. (NOT ... ~~He looked at him~~ ...)

او در آینه به **خودش** نگاه کرد. مواظب **خودتان** باشید. (NOT ... ~~Take care of you~~ ...)

گاهی اوقات حروف اضافه فقط برای نشان‌دادن «مکان» یا «مجاورت» یا «همراهی» به کار می‌رود. در این حالت، کاری بر روی مفعولی که بعدشان آمده، انجام نمی‌شود. به همین خاطر، نیازی به استفاده از ضمیر انعکاسی نیست، هر چند که در جمله‌های این‌چنینی در فارسی، معمولاً از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم. نگاه کنید:

They divided the money **among them**. (NOT ... ~~the money among themselves~~.)

آن‌ها پول را بین خودشان تقسیم کردند.

She didn't take her bag **with her**. (NOT ... ~~take her bag with herself~~.)

او کیفش را با خودش نبرد. لطفاً در را پشت سر خودت ببند. (NOT ... ~~close the door after yourself~~.)

I looked **behind me**. (NOT ... ~~looked behind myself~~.)

به پشت سر خودم نگاه کردم. دو فعل help و enjoy در ترکیب با ضمائر انعکاسی، دو اصطلاح رایج می‌سازند. نگاه کنید:

They all **enjoyed themselves** at the party.

در مهمانی به تمام آن‌ها خوش گذشت. فکر نمی‌کنم در مدرسه به او خیلی خوش بگذرد. I don't think she is **enjoying herself** very much at school.

غذا زیاد است، پس از خودت پذیرایی کن. There's plenty of food, so **help yourself**.

راحت باش و با قهوه از خودت پذیرایی کن. Feel free to **help yourself** to coffee.

مواظب باشید ضمائر انعکاسی را به جای each other یا one another (یکدیگر؛ همدیگر) استفاده نکنید. معنی جمله به هم می‌ریزد.

Ali and Kian aren't really friends. They don't like **each other** much. (NOT ... ~~don't like themselves~~.)

علی و کیان آن قدرها با هم رفیق نیستند. آن‌ها زیاد از همدیگر خوششان نمی‌آید. (نه این که ... آن‌ها از خودشان خوششان نمی‌آید!)

تست دست‌گرمی

1. To be successful in life, you must believe in

- 1) you
- 2) your
- 3) yourself
- 4) yourselves

2. My sister designs all these clothes

- 1) itself
- 2) oneself
- 3) themselves
- 4) herself

3. I can't really call a vegetarian when I eat fish.

- 1) me
- 2) my
- 3) myself
- 4) by myself

4. Don't tell the answer to the problem. We can solve it

- 1) us - us
- 2) us - ourselves
- 3) ourselves - us
- 4) ourselves - ourselves

5. We looked up and saw a strange animal in front of

- 1) us
- 2) our
- 3) itself
- 4) ourselves

6. My brother fell off the tree and hurt at the little bird's nest.

- 1) him when he looked
- 2) him when he was looking
- 3) himself when he looked
- 4) himself when he was looking



They **have known** each other for a long time.

آن‌ها مدت زمان زیادی است که همدیگر را می‌شناسند. (مقطع زمانی: از خیلی وقت پیش تا امروز)

They **have known** each other since they were at school.

آن‌ها از وقتی مدرسه می‌رفتند، همدیگر را می‌شناسند. (مقطع زمانی: از وقتی مدرسه می‌رفتند تا امروز)

با since و for آشنا شوید

در جمله‌های حال کامل، مخصوصاً کاربرد سوم، از for (به مدت ...) و since (از ... تا حالا) زیاد استفاده می‌شود. با حرف اضافه for، مدت زمانی را که از گذشته تا حالا طول کشیده، مشخص می‌کنیم. با حرف اضافه since نقطه‌ای از زمان را در گذشته مشخص می‌کنیم که عمل از آن نقطه شروع شده است.

I haven't seen Ali since

Monday last week two hours ago 8 o'clock 2001 lunchtime April Norooz

من علی را از [تا حالا] ندیده‌ام.

دوشنبه هفته پیش دو ساعت پیش ساعت ۸ سال ۲۰۰۱ وقت ناهار ماه آوریل نوروز

I haven't seen Ali for

six months a week 20 minutes 30 years a long time five days two hours ages

من علی را است که ندیده‌ام.

شش ماه یک هفته ۲۰ دقیقه ۳۰ سال مدت زمان درازی پنج روز دو ساعت مدت‌ها

• می‌توانیم since را در نقش حرف ربط هم به کار ببریم. در این حالت، بعد از آن از یک جمله گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

I haven't seen Ali **since he left Tehran**..... من علی را، از وقتی تهران را ترک کرد، ندیده‌ام.

She has been very lonely **since her father died**..... او از وقتی پدرش مرد خیلی تنها شده است.

• در جمله‌های حال کامل، برای پرسش از مقدار زمانی که از گذشته تا حالا طول کشیده است از کلمات پرسشی how long (چه مدت؟) و since when? (از کی؟) استفاده می‌کنیم.

How long have you worked in this factory?..... چه مدت است که در این کارخانه کار می‌کنی؟

Since when have you worked in this factory?..... از کی در این کارخانه کار می‌کنی؟

گذشته ساده را انتخاب کنیم، یا حال کامل را؟

① وقتی عملی در گذشته به پایان رسیده و اثر آن در زمان حال مورد توجه ما نیست، از گذشته ساده استفاده می‌کنیم. در حضور قیدهایی مثل «دیشب، دیروز، هفته گذشته، ماه گذشته، تابستان پارسال، دو سال پیش، ...» که زمان دقیقی را در گذشته مشخص می‌کند، زمان گذشته ساده را به حال کامل ترجیح می‌دهیم.

The Chinese **invented** printing..... چینی‌ها چاپ را اختراع کردند.

Da Vinci **started** painting the Mona Lisa in 1503 and **worked** on it for four years.

داوینچی در سال ۱۵۰۳ شروع کرد به کشیدن مونالیزا و چهار سال روی آن کار کرد.

The police **stopped** me on my way home last night..... پلیس دیشب سر راهم به خانه، جلوم را گرفت.

We **invited** them to our party but they **decided** not to come.

ما آن‌ها را به مهمانی‌مان دعوت کردیم، ولی آن‌ها تصمیم گرفتند که نیایند.

② وقتی خبر جدیدی را می‌دهیم، معمولاً جمله اول را که اصل خبر است، با حال کامل بیان می‌کنیم. در ادامه، وقتی می‌خواهیم جزئیات بیشتری از آن خبر را به اطلاع شنونده برسانیم، از جمله‌های گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

Your parcel **has arrived**. The postman **brought** it at eight o'clock..... بسته‌ات رسیده است. پستیچی آن را ساعت هشت آورد.



پیشوندها (Prefixes)

«وند»ها تک‌واژه‌های وابسته‌ای هستند که با اضافه‌شدن به آغاز، پایان و یا میان کلمه‌ها، کلمه‌های جدید درست می‌کنند. پیشوند هم یک وند است که قبل از ریشه کلمه می‌آید و معنی آن را تغییر می‌دهد. مثلاً با اضافه کردن پیشوند متضادساز -dis به ابتدای فعل like (دوست‌داشتن)، آن را به فعل dislike (دوست‌نداشتن) تبدیل می‌کنیم. در جدول زیر با بعضی از پیشوندهای رایج انگلیسی آشنا می‌شوید.

پیشوند	معنی یا کاربرد	مثال
anti-	ضد	antibiotic antibody آنتی‌بیوتیک پادتن
auto-	خود، خودکار	autopilot autobiography سیستم خودکار هواپیما زندگی‌نامه خودنوشت
dis-	متضادساز	dishonest disagree disconnect dislike disorder فریب‌کار مخالفت کردن قطع کردن بدآمدن بی‌نظمی، اختلال، بی‌نظمی بدآمدن
en-	فعل‌ساز	endanger enable به خطر انداختن قادرساختن
in-, il-, im-, ir-	منفی‌ساز	incomplete illegal impossible irregular ناقص غیرقانونی غیرممکن بی‌قاعده
mid-	وسط، میان، نیم	midair midnight midday در وسط هوا نیمه‌شب ظهر، نیم‌روز
mis-	منفی‌ساز، به اشتباه	misunderstand mishear غلط فهمیدن اشتباهی شنیدن
multi-	چند	multimedia multi-billionaire multi-national چندرسانه‌ای مولتی‌میلیارد چندملیتی
mini-	کوچک	minibus مینی‌بوس
non-	منفی‌ساز، متضادساز	non-automatic non-smoker غیر خودکار غیرسیگاری
over-	بیش از حد	overpay overweight اضافه پرداخت کردن اضافه وزن؛ چاق
pre-	پیش از	preschool prehistoric پیش‌دبستانی ماقبل تاریخ
re-	دوباره	remarry replay دوباره ازدواج کردن دوباره بازی کردن / دوباره بخش کردن
trans-	بین، نشان‌دهنده تغییر	transform transatlantic translation شکل چیزی را عوض کردن بین اروپا و آمریکا ترجمه کردن
un-	منفی‌ساز، متضادساز	unlock unsafe unfortunately قفل چیزی را باز کردن ناامن متأسفانه



تست‌های گرامر

قسمت اول تست‌ها (۱۳۲۹ تا ۱۳۶۶) مربوط به مبحث شرطی نوع اول است. قسمت دوم (۱۳۶۷ تا ۱۳۹۱) به بحث مصدر و gerund و کاربردهای این دو تعلق دارد، و در قسمت سوم (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)، چند تست از صفت‌های مفعولی می‌بینید. ولی در قسمت چهارم (۱۴۰۰ تا ۱۴۲۸) همه چیز درهم است و خودتان باید مبحث را تشخیص بدهید. بعضی از تست‌های قسمت چهارم، ترکیبی از تمام گرامرهایی است که در این درس یاد گرفته‌اید. تست‌ها، در هر کدام از این ۴ قسمت، با شبیهی ملایم از آسان به سخت چیده شده است. به علاوه، در کنار بعضی از تست‌ها علامت + وجود دارد. این تست‌ها قرار است شما را به چالش بکشند و شاید لازم باشد برای حل آن‌ها نکته‌ای اضافی را بلد باشید که چه بسا مستقیماً در کتاب درسی مورد بحث قرار نگرفته باشد. در انتها هم تست‌هایی را می‌بینید که در کنکور سراسری آمده است و به نوعی با گرامر این درس در ارتباط است.

1329. If busy tomorrow, I'll come and pick you up.

- 1) I wasn't 2) I won't be 3) I weren't 4) I'm not

1330. If we now, we'll get hungry later during the concert.

- 1) will eat 2) won't eat 3) eat 4) don't eat

1331. Your photos will be printed and ready within extra now.

- 1) a hour if you'll pay 2) a hour if you pay 3) an hour if you'll pay 4) an hour if you pay

1332. Don't throw that bag away. If you don't want it, it.

- 1) I have 2) I'll have 3) I don't have 4) I won't have

1333. What shall we do tomorrow? Well, if a nice day, we can go to the beach.

- 1) it was 2) it is 3) it will be 4) it would be

1334. The police will test the knife for fingerprints. If your fingerprints on it, you'll be charged with murder.

- 1) is 2) are 3) may be 4) will be

1335. If, can you answer it?

- 1) does the phone ring 2) the phone rings 3) did the phone ring 4) the phone rang

1336. I sure if he keeps driving like that, he'll have an accident.

- 1) am 2) be 3) will be 4) am going to be

1337. I don't want to be disturbed, so don't phone me if it something important.

- 1) is 2) isn't 3) will be 4) won't be

1338. What'll you call the baby if?

- 1) it's boy 2) it'll be boy 3) it's a boy 4) it'll be a boy

1339. If they have completed all their work already, we them leave early today.

- 1) let 2) can let 3) have let 4) are letting

1340. Be careful about the time. If you too long on the first question, you enough time to do the others properly.

- 1) spend - won't have 2) spent - wouldn't have
3) will spend - don't have 4) would spend - didn't have

1341. You able to sleep tonight if you watch this scary film.

- 1) will be 2) may not 3) aren't 4) won't be

1342. Will they let us in if just after the match has started?

- 1) we reach 2) do we reach 3) we'll reach 4) will we reach

1343. This letter has got to be in Chicago in two days. I in time if I send it today.

- 1) will be sure it would arrive 2) am sure it will arrive
3) was sure it would arrive 4) am sure it arrives

قسمت دوم: پرسش‌های تأییدی

جمله‌های زیر را بخوانید و به سؤال کوتاهی که در انتهای هر کدامشان آمده، دقت کنید:

- Maryam can speak French, **can't she**? مریم می‌تواند فرانسوی صحبت کند، مگر نه؟
- The film wasn't very good, **was it**? فیلم خیلی خوب نبود، درست است؟
- به جمله‌های سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جمله خبری می‌آید، «پرسش‌های تأییدی» گفته می‌شود. گوینده با استفاده از این نوع سؤال‌ها قصد دارد از درستی یا نادرستی یک خبر مطلع شود؛ یا توقع دارد شنونده حرف او را تأیید کند. بعضی‌ها به این نوع سؤال‌ها، «پرسش‌های ضمیمه‌ای» یا «پرسش‌های دنباله‌ای» می‌گویند. این پرسش‌ها در فارسی، معمولاً به شکل «مگر نه؟»، «درست است؟» یا «این‌طور نیست؟» ترجمه می‌شود.

ساخت یک پرسش تأییدی، قدم به قدم

- ۱ بعد از جمله خبری یک ویرگول بگذارید. Ali has locked the door, ...
- ۲ فعل کمکی جمله را بعد از ویرگول بازنویسی کنید. Ali has locked the door, **has** ...
- ۳ اگر جمله منفی بود، فعل کمکی را به شکل مثبت در بیاورید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به شکل مخفف، منفی کنید (**n't**). Ali has locked the door, **hasn't** ...
- ۴ فاعل جمله را به شکل ضمیر فاعلی بازنویسی کنید. Ali has locked the door, **hasn't he** ...
- ۵ علامت سؤال بگذارید. Ali has locked the door, **hasn't he**?

- در جمله‌های مثبت حال ساده و گذشته ساده، خبری از فعل کمکی نیست. به همین خاطر از فعل‌های کمکی do و does و did استفاده می‌کنیم. Leyla **plays** the piano, **doesn't she**? لیلا پیانو می‌زند، مگر نه؟
- آن‌ها نزدیک این‌جا زندگی می‌کنند، مگر نه؟ They **live** near here, **don't they**?
- سپهر از فیلم خوشش آمد، مگر نه؟ Sepehr **liked** the movie, **didn't he**?
- اگر مطمئن نیستید که فعل‌های کمکی کدام‌اند، عیبی ندارد. من برایتان می‌گویم. فعل‌های کمکی این‌ها هستند:

am, is, are, was, were

do, does, did

has, have, had

can, could, will, would, may, might, shall, should, ought to, must

بعضی استثنائات در ساخت پرسش تأییدی

- ۱ اگر جمله با let's (بیا، بگذار) شروع شده باشد، پرسش تأییدی با shall we? ساخته می‌شود. Let's go for a walk, **shall we**? بیا برویم قدم بزنیم، باشد؟
- ۲ اگر جمله خبری با I am شروع شده باشد، پرسش تأییدی آن I aren't I? است. البته در حالت خیلی رسمی می‌توانیم از am I not? هم استفاده کنیم. من دیر کرده‌ام، مگر نه؟ I'm late, **aren't I**? (= am I not?)
- ۳ اگر در جمله not وجود نداشت ولی یک عامل منفی‌ساز دیگر حضور داشت، باز هم جمله، منفی به حساب می‌آید و پرسش تأییدی آن باید مثبت باشد. بعضی از عوامل منفی‌ساز عبارت‌اند از:

no, nobody, no one, nothing, nowhere, none, neither

little, few, hardly, rarely, scarcely, seldom, never

You **never** call her, do you? تو هرگز به او زنگ نمی‌زنی، مگر نه؟



۴ اگر فاعل جمله **this** یا **that** باشد، از ضمیر **it** استفاده می‌کنیم. اگر فاعل جمله **these** یا **those** باشد، ضمیر **they** را به کار می‌بریم.

This isn't your car, is it?

Those are your shoes, aren't they?

۵ اگر فاعل و فعل جمله، ترکیب **there + to be** باشد، برای ساختن پرسش تأییدی از خود **there** استفاده می‌کنیم.

There is something wrong, **isn't there?** یک مشکلی وجود دارد، مگر نه؟

۶ اگر فاعل جمله یک ضمیر نامعین (مبهم) باشد، برای شیء از **it** و برای انسان از **they** استفاده می‌کنیم. مهم‌ترین ضمائر نامعین (مبهم) عبارت‌اند از:

someone, somebody	something	everyone, everybody	everything
یک نفر	یک چیز	همه (افراد)	همه‌چیز
anyone, anybody	anything	no one, nobody	nothing
هر کی	هر چی	هیچ کس	هیچ چیز

Nothing will happen, **will it?** هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، مگر نه؟

Nobody phoned, **did they?** هیچ کس زنگ نزد، زد؟

Somebody has ordered a coffee, **haven't they?** یک نفر قهوه سفارش داده است، درست است؟

۷ در جمله‌های مرکب که دو جمله با یک حرف ربط وابسته‌ساز به هم متصل می‌شوند، پرسش تأییدی را بر اساس جمله پایه (جمله بدون حرف ربط) می‌سازیم.

You were asleep when I came home, weren't you? (NOT ... didn't I?)

وقتی من آمدم خانه، تو خواب بودی، مگر نه؟

They think that it's impossible, don't they? (NOT ... isn't it?)

آن‌ها فکر می‌کنند که این کار غیرممکن است، مگر نه؟

۸ اگر جمله پایه، جمله‌های زیر یا مانند آن‌ها باشد، پرسش تأییدی بر اساس جمله وابسته ساخته می‌شود. چرا که این نوع جمله‌های پایه هیچ خبری را منتقل نمی‌کنند و فقط یک مقدمه‌چینی‌اند تا گوینده اول شخص نظر و عقیده خود را بگوید.

I think that ... , I guess that ... , I believe that ... , I've heard that ... , I suppose that ...

I think **that it's impossible**, **isn't it?** (NOT ... **don't I?**)

I've heard **he's sick**, **isn't he?** (NOT ... **haven't I?**) (کتاب درسی صفحه ۳۲)

۹ فعل‌های **have** و **has** و **had** وقتی کمکی محسوب می‌شوند که بعد از آن‌ها **pp** آمده باشد؛ با این وجود، فعل‌های **has** و **have** فقط در معنی «داشتن» و «مجبور بودن» می‌توانند هم کمکی به حساب بیایند، هم اصلی. در این حالت، معمولاً (و نه همیشه) همراه با فعل **got** در جمله ظاهر می‌شوند.

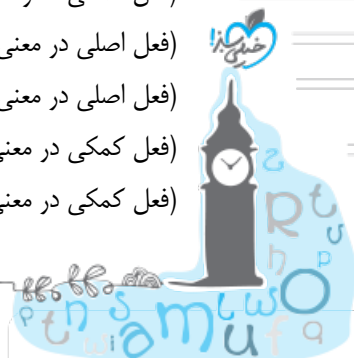
He **has gone** home, **hasn't he?** (فعل کمکی همراه با **pp**) او رفته است خانه، مگر نه؟

He **has** a car, **doesn't he?** (فعل اصلی در معنی داشتن) او ماشین دارد، مگر نه؟

He **has to** go, **doesn't he?** (فعل اصلی در معنی مجبور بودن) او مجبور است برود، مگر نه؟

He **has (got)** a car, **hasn't he?** (فعل کمکی در معنی داشتن) او ماشین دارد، مگر نه؟

He **has (got) to** go, **hasn't he?** (فعل کمکی در معنی مجبور بودن) او مجبور است برود، مگر نه؟



تست‌های گرامر

قسمت اول تست‌ها (۱۵۸۳ تا ۱۶۵۲) مربوط به بحث معلوم و مجهول است. قسمت دوم (۱۶۵۳ تا ۱۶۸۲) به پرسش‌های تأییدی تعلق دارد. در قسمت سوم (۱۶۸۳ تا ۱۷۱۲) حروف ربط هم‌پایه‌ساز را تمرین می‌کنید. ولی در قسمت چهارم (۱۷۱۳ تا ۱۷۵۷) همه چیز درهم است و خودتان باید مبحث را تشخیص بدهید. بعضی از تست‌های قسمت چهارم، ترکیبی از تمام گرامرهایی است که در این درس یاد گرفته‌اید. تست‌ها، در هر کدام از این ۴ قسمت، با شبیهی ملایم از آسان به سخت چیده شده است. به علاوه، در کنار بعضی از تست‌ها علامت + وجود دارد. این تست‌ها قرار است شما را به چالش بکشند و شاید لازم باشد برای حل آن‌ها نکته‌ای اضافی را بلد باشید که چه بسا مستقیماً در کتاب درسی مورد بحث قرار نگرفته باشد. در انتها هم تست‌هایی را می‌بینید که در کنکور سراسری آمده است و به نوعی با گرامر این درس در ارتباط است.

1583. They her to explain her reasons for making the changes.

- 1) invited 2) are invited 3) were invited 4) have been invited

1584. A: Are you going to the party? B: No, I

- 1) didn't invite 2) haven't invited 3) wasn't inviting 4) haven't been invited

1585. In 1928, Scottish scientist Alexander Fleming penicillin by accident.

- 1) discovered 2) has discovered 3) was discovered 4) has been discovered

1586. One of the two lost children alive and well in a London park.

- 1) found 2) were found 3) has found 4) has been found

1587. Abraham Lincoln at Ford's Theater on April 15, 1865.

- 1) killed 2) was killed 3) has killed 4) has been killed

1588. Most of the cost of university education by the government.

- 1) is paying 2) is paid 3) has paid 4) was paying

1589. According to scientists, dinosaurs millions of years ago.

- 1) existed 2) have existed 3) were existed 4) have been existed

1590. More chocolate in the US than in any other country in the world.

- 1) is eaten 2) are eaten 3) has eaten 4) have eaten

1591. How many times since you bought it last year?

- 1) did your car repair 2) was your car repaired
3) has your car repaired 4) has your car been repaired

1592. the Eiffel Tower built for the World Exhibition in 1889?

- 1) Is 2) Did 3) Was 4) Has

1593. The class was too large last semester, so it into two sections.

- 1) has divided 2) was divided 3) hasn't divided 4) wasn't divided

1594. As we watched, the airplane into the clouds.

- 1) disappears 2) disappeared 3) is disappeared 4) was disappeared

1595. Our house has a built-in oven that since we moved in a year and half ago.

- 1) wasn't using 2) hasn't used 3) hasn't been used 4) wasn't used

1596. It is very clear that none of these letters written by an English person.

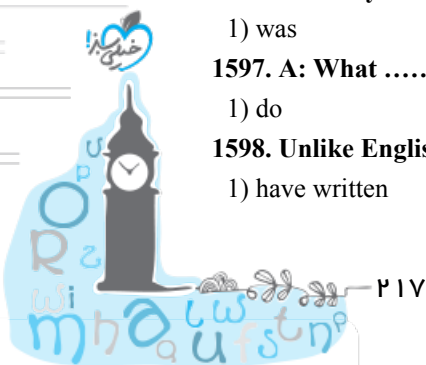
- 1) was 2) has 3) wasn't 4) hasn't

1597. A: What people from Finland called? B: Finns, I guess.

- 1) do 2) are 3) have 4) will

1598. Unlike English, Farsi and Arabic from right to left.

- 1) have written 2) are written 3) were written 4) have to write



1750. The new high-quality models of sunglasses are going to in our factory next year. (تجربی ۹۴)
- 1) be produced 2) be producing 3) produced 4) produce
1751. After breaking his leg in the skiing accident, to cut short his vacation and go back home. (ریاضی ۹۸)
- 1) forced 2) he forced 3) that forced 4) he was forced
1752. Jane believes that her team members easily won the game because they are familiar with teamwork,? (انسانی ۹۸)
- 1) aren't they 2) didn't they 3) didn't she 4) doesn't she
1753. It is a fact that all people are ready to try as hard as possible to become happy,? (هنر ۹۸)
- 1) don't they 2) isn't it 3) aren't they 4) doesn't it
1754. While skiing, the young boy broke his leg and to the hospital immediately. (زبان ۹۸)
- 1) would be taken 2) had to be taken 3) had taken 4) took
1755. In free writing, you should not worry about spelling or punctuating correctly, about erasing mistakes, about organizing material, or exact words. (ریاضی ۹۹)
- 1) finding 2) how to find 3) about finding 4) the finding of
1756. There is no clear evidence stating where and when football, but most historians agree that some type of ball game had been played centuries before the modern game developed in England. (انسانی ۹۹)
- 1) invented 2) was invented
- 3) was inventing 4) would be invented
1757. When you go to university or college you may be surprised by the amount to do. (زبان ۹۹)
- 1) to read and expect it 2) of reading you are expected
- 3) you expect to read it and 4) in reading when you expect

2135. She is very shy; that's why she doesn't enjoy parties. In other words, if she enjoy parties.

- 1) were shy, she wouldn't
2) were communicative, she would
3) weren't communicative, she wouldn't
4) weren't shy, she wouldn't

2136. A: Are you coming to the party? B: I don't think so, but if I

- 1) changed my mind, I'll tell you
2) change my mind, I'll tell you
3) changed my mind, I'd tell you
4) will change my mind, I tell you

2137. When my children that school several years ago, there was a very supportive teacher in post since retired.

- 1) attended - which has
2) who attended - which has
3) who attended - who has
4) attended - who has

2138. Anita (sitting beside her open fire): "I love open fires; if I nothing but a radiator to sit beside, I get quite depressed."

- 1) had - would
2) have - will
3) were - would
4) am - will

2139. We all must be patient and avoid rushing, as this is a matter on should reflect very seriously.

- 1) whom we
2) which we
3) whom it
4) which it

2140. Friedrich Nietzsche, the German philosopher, famously said: "That does not kill us makes us stronger."

- 1) it
2) what
3) who
4) which

2141. My favorite part from this song is when the singer says, "..... doesn't kill you makes you stronger."

- 1) it
2) what
3) who
4) which

2142. The police needed details identify the robber.

- 1) so could
2) what could
3) that could help
4) and could help

2143. If you aren't going to live in the house, why don't you sell it? If I had a house, I would sell it at once.

- 1) where I couldn't use
2) which I couldn't use it
3) that I couldn't use
4) I couldn't use it

2144. I'd like to take you to a café serves excellent coffee.

- 1) and
2) so
3) where
4) which

2145. A: The only thing I don't have is a balcony. If I had a balcony, I would grow plants in pots.

B: Then your apartment be perfect.

- 1) that - would
2) which - will
3) that - will
4) which - would

2146. Neda, didn't know anything about mountains, thought it would be quite safe to climb.

- 1) who
2) that
3) who she
4) that she

2147. I wouldn't marry you you were the last man in the world.

- 1) only if
2) if only
3) even if
4) if so

2148. The women prayed aloud all night, kept us awake.

- 1) that
2) which
3) so
4) who

2149. Romeo and Juliet were lovers parents hated each other.

- 1) that their
2) that who's
3) whose
4) that whose

2150. I to save the man if I knew how to swim.

(ریاضی ۹۸)

- 1) tried
2) will try
3) would try
4) had tried

2151. China is the country paper, silk and gunpowder were first produced in.

(انسانی ۹۸)

- 1) in that
2) in where
3) in there
4) that

2152. Each year, universities in the West take in quite a number of students come from Asian countries.

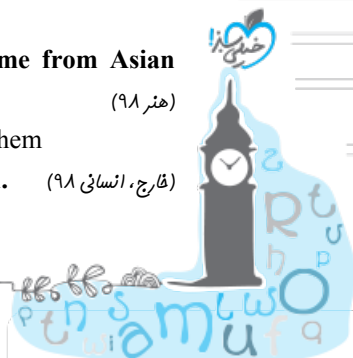
(هنر ۹۸)

- 1) who
2) they
3) that they
4) most of them

2153. I am absolutely sure that Jennifer would do the same task differently if she you.

(فارج، انسانی ۹۸)

- 1) is
2) was
3) were
4) had been



تست‌های واژگان

برای این که کارتان راحت‌تر شود و بتوانید به تدریج و هم‌پای آزمون‌های آزمایشی تست بزنید، تست‌های واژگان درس ۳ را به سه قسمت تقسیم کرده‌ام:
 قسمت اول (۲۵۶۶ تا ۲۶۱۵): از ابتدای درس ۳ کتاب درسی تا ابتدای Reading.
 قسمت دوم (۲۶۱۶ تا ۲۶۶۵): از ابتدای درس ۳ کتاب درسی تا ابتدای بخش Writing.
 قسمت سوم (۲۶۶۶ تا ۲۷۶۵): کل درس ۳ کتاب درسی + کل درس ۳ کتاب کار.
 دقت داشته باشید که تست‌ها در هر قسمت با شبی ملایم، از آسان به سخت چیده شده است. به علاوه، در کنار بعضی از تست‌ها علامت (+) وجود دارد. این تست‌ها قرار است شما را به چالش بکشند و شاید لازم باشد برای حل آن‌ها نکته‌ای اضافی را بلد باشید که چه بسا مستقیماً در کتاب درسی مورد بحث قرار نگرفته باشد. در انتها هم تست‌هایی را می‌بینید که در کنکور سراسری از کلمات این درس طرح شده است.

2566. My father is a very calm person, but my mother is just the

- 1) same 2) type 3) opposite 4) replacement

2567. Humans are consuming natural 20 percent faster than the earth can replace them.

- 1) services 2) products 3) resources 4) systems

2568. Doctors recommend that people two liters of water (about eight glasses) daily.

- 1) absorb 2) use up 3) consume 4) remind of

2569. Proud of his physical, he remained healthy and active into his early 90s.

- 1) source 2) demand 3) variety 4) fitness

2570. A: How do you like the soup? Does it need more garlic?

B: No, it tastes delicious. It my mom's soup.

- 1) converts me to 2) reminds me of 3) replaces me with 4) takes me in

2571. Coal is a relatively cheap source of energy, but it causes too much

- 1) power 2) demand 3) fuel 4) pollution

2572. The wind was so hard that trees were falling down on to the roads; therefore, they decided to stay the night.

- 1) blowing 2) lasting 3) running 4) falling

2573. Countries with long shorelines are able to consider tide energy as a/an, green energy source.

- 1) organic 2) solar 3) renewable 4) ancient

2574. I was standing on the seashore and watching the ship as it sailed off and disappeared from view.

- 1) hugely 2) naturally 3) carefully 4) gradually

2575. Human behavior is difficult to study because it can be influenced by a wide of factors.

- 1) variety 2) system 3) character 4) source

2576. Pat's parents wanted him not to all of the family's shared internet data as he did last month.

- 1) use up 2) take in 3) demand for 4) replace with

2577. After you join Women's Network of York, your membership is yearly. We will notify you via email when it is time so that you don't miss the events.

- 1) convertible 2) replaceable 3) renewable 4) absorbable

2578. Fish is a key of omega 3 oils which have health benefits particularly for the heart.

- 1) character 2) source 3) consumption 4) string

2579. The next car I'm going to show you will be second-hand and have a smaller engine to reduce costs.

- 1) cooling 2) waste 3) fuel 4) pollution



2728. Why not wait till you get the confirmation? Aren't

- 1) you killing two birds with one stone
- 2) you looking a gift horse in the mouth
- 3) you cutting your coat according to your cloth
- 4) you counting your chickens before they have hatched

2729. Warm-blooded animals are the only terrestrial beings that live in large or flocks or that migrate long distances.

- 1) strings
- 2) pools
- 3) panels
- 4) herds

2730. Very few stars will agree to play a role in a film - Bruce Willis is one of the few who has consistently done so.

- 1) concluding
- 2) leading
- 3) supporting
- 4) running

2731. We have now corrected the error in our computer records which our letters to you being misaddressed.

- 1) succeeded in
- 2) revolved around
- 3) carried around
- 4) resulted in

2732. There were a hundred or so guys in the water when the started to turn and the current was so strong that it carried some of the poor swimmers.

- 1) radiation
- 2) process
- 3) tide
- 4) hydropower

2733. There is no telling what the future will, but the thing we can do is to try and make the future better.

- 1) absorb
- 2) rise
- 3) remind
- 4) hold

2734. After a tiring day at work it is a relief for me to go back to my wife and kids.

- 1) A burnt child dreads the fire
- 2) Out of sight, out of mind
- 3) Two heads are better than one
- 4) There is just no other place like home

2735. What's the use of theoretical knowledge that has no application?

- 1) practical
- 2) organic
- 3) ancient
- 4) digital

2736. I thank God every day for having such an amazing guy in my life. I feel that I have greatly from his wisdom.

- 1) benefited
- 2) suffered
- 3) fallen
- 4) risen

2737. This book brings to life both the romance of traveling by train and the sights, sounds and customs of the countries and locations visited.

- 1) absorbing
- 2) renewable
- 3) huge
- 4) healthy

2738. He is well-known for weaving and traditional storytelling into the western form of the novel.

- 1) components
- 2) abbreviations
- 3) proverbs
- 4) varieties

2739. "What if it doesn't" is a common fear that I often hear my clients express.

- 1) cooperate with
- 2) supply with
- 3) work out
- 4) find out

2740. Despite its, this magnificent city is a wonderfully popular tourist site with a lot of sights and attractions that are collected through different periods of its history.

- 1) unlikelihood
- 2) remoteness
- 3) requirement
- 4) familiarity

2741. The cost of running the hospital is becoming more every day and support from the local community is badly needed.

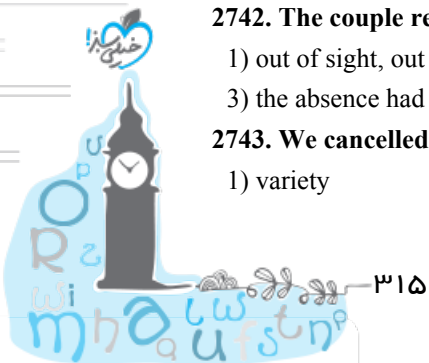
- 1) concluding
- 2) absorbing
- 3) demanding
- 4) supporting

2742. The couple reunited after almost a year and understood that

- 1) out of sight, out of mind
- 2) God helps those who help themselves
- 3) the absence had made their hearts grow fonder
- 4) they should cut their coats according to their cloth

2743. We cancelled our camping trip because the weatherman said the of heavy rain was very high.

- 1) variety
- 2) strength
- 3) beginning
- 4) likelihood (ریاضی ۹۸)



2760. filled the minds of all of the passengers aboard the falling airplane. (تجربی ۹۹)
- 1) Dread 2) Emotion 3) Disorder 4) Pain
2761. He received a phone call from the store telling him that someone had to be home to accept of the package they had ordered. (تجربی ۹۹)
- 1) delivery 2) discount 3) demand 4) access
2762. It is unbelievable that we human beings do not seem to attach as much importance as we should to the effect our activities have on the ozone layer. (زبان ۹۹)
- 1) natural 2) invisible 3) unique 4) harmful
2763. Science advances by old theories with new ones that make better predictions. (زبان ۹۹)
- 1) replacing 2) informing 3) recommending 4) surrounding
2764. People are continuously buying more products and building more houses. Fresh water, oil and natural gas are just some of the resources which are in (فارغ ۹۹)
- 1) demand 2) diversity 3) discount 4) disorder
2765. The Innu language of Northern Quebec has no for the word music because for them, music is everywhere, in every living thing. (فارغ، انسانی ۹۹)
- 1) issue 2) emotion 3) pleasure 4) equivalent



جمله‌های پشتیبان و جمله نتیجه‌گیری

① در درس ۲ دوازدهم با مفهوم و شکل پاراگراف آشنا شدید. به علاوه، یاد گرفتید که جمله بیان موضوع، که معمولاً اولین جمله یک پاراگراف است، چه کاربرد و اهمیتی دارد. در این درس، با جمله‌های پشتیبان (supporting sentences) و جمله نتیجه‌گیری (concluding sentence) آشنا می‌شوید.

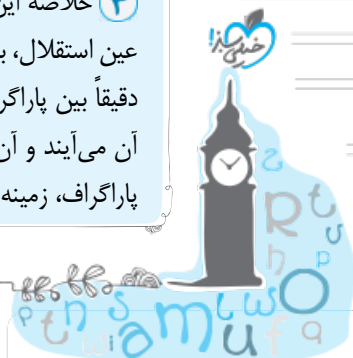
② جمله‌های پشتیبان با ارائه اطلاعات بیشتر و یا آوردن نمونه‌هایی، جمله بیان موضوع را شرح و گسترش می‌دهند؛ و یا با آوردن دلیلی، آن را اثبات می‌کنند. اگر جمله بیان موضوع، اولین جمله پاراگراف باشد، قاعدتاً جمله‌های پشتیبان بعد از آن می‌آیند. پاراگراف زیر را از متن سراسری گروه هنر در سال ۱۳۹۴ انتخاب کرده‌ام. جمله بیان موضوع در اول پاراگراف آمده و نشان می‌دهد موضوع اصلی پاراگراف «تاریخچه سکه‌های فلزی» است. ببینید که چه‌طور جمله‌های پشتیبان که به دنبال آن می‌آیند، این موضوع را گسترش داده‌اند.

In about 700 B.C., people made the first round metal coins. The coins were made of gold and silver. They looked very similar to the coins we use today. These coins came from Lydia. Lydia was located where the country called Turkey is located today. After people made coins in Lydia, people in Rome, Iran, and Greece also began making coins. Coins were very durable – they were strong and could last a long time without becoming damaged.

③ جمله نتیجه‌گیری که آخرین جمله پاراگراف است، مشخص می‌کند که پاراگراف به پایان رسیده و معمولاً نکته مهمی را یادآور می‌شود که خواننده باید به خاطر داشته باشد. این جمله معمولاً جمله بیان موضوع را به شکلی دیگر تکرار می‌کند. یادتان باشد که الزاماً هر پاراگرافی، جمله نتیجه‌گیری ندارد. جمله نتیجه‌گیری معمولاً در پاراگراف‌های بلند حضور دارد، در حالی که پاراگراف‌های کنکور سراسری معمولاً کوتاه است و به ندرت جمله نتیجه‌گیری دارد. متن زیر متعلق به کنکور سراسری ۱۳۸۹، گروه زبان است. جمله اول، جمله بیان موضوع است. جمله آخر هم جمله نتیجه‌گیری است. ببینید که چه‌طور جمله آخر، دوباره جمله بیان موضوع (رابطه علم و اختراع) را به شکلی دیگر تکرار کرده است.

The relation between the science of physics and the practical things that come from it is an interesting subject. Sometimes, the knowledge of the scientific basis for an invention comes after the invention has been made and improved. When James Watt built his steam engine in 1769, nothing was known about how heat was changed into mechanical energy. The great practical importance of Watt's engine, however, encouraged scientists to look into this matter, with the result that the new science of thermodynamics was formed. After the basic laws of thermodynamics were discovered, great improvement in the steam became possible, as such later developments as the steam turbine, the gasoline engine, the diesel engine, and the jet engine. **So we see how science leads to new inventions and how these new inventions encourage scientists to explore the bases for them.**

④ خلاصه این که هر پاراگراف، ۳ بخش اصلی دارد: جمله بیان موضوع، جمله‌های پشتیبان و جمله نتیجه‌گیری. این ۳ بخش، در عین استقلال، با هم همکاری می‌کنند تا ایده اصلی (main idea) به درستی به خواننده منتقل شود. خوب است بدانید که این رابطه، دقیقاً بین پاراگراف‌های مختلف یک متن هم وجود دارد: پاراگراف اول، موضوع اصلی را بیان می‌کند. پاراگراف‌های بعدی به دنبال آن می‌آیند و آن را پشتیبانی می‌کنند. و احتمالاً پاراگراف آخر، از متن نتیجه‌گیری می‌کند. ترتیب پاراگراف‌ها به نحوی است که هر پاراگراف، زمینه را برای آمدن پاراگراف بعدی آماده می‌کند و در عین حال از موضوع اصلی متن پشتیبانی می‌کند.



کلوزها و متن‌های سراسری ۱۳۹۸-۱۳۹۹



u
p
o
r
z

wi

m

h

a

q

l
w

u

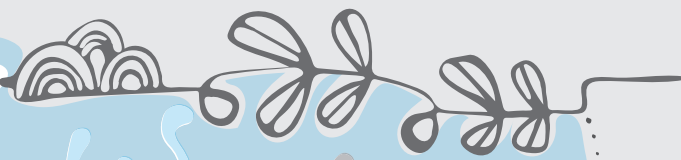
f

s

t

n

p



(2852) time. Well, not anymore! I've begun freezing my own vegetables, and I'm happy to say that now I have my (2853) vegetables all year long, not to mention the savings. To most people, freezing vegetables seems like a time-consuming and (2854) process; however, it's really very simple. You just need to know which kinds of vegetables are freezable, how to prepare them, and how to blanch them.

2850. 1) believe 2) identify 3) discover 4) inform
 2851. 1) have 2) having 3) to have 4) from having
 2852. 1) wrong 2) exact 3) possible 4) enjoyable
 2853. 1) vast 2) recent 3) favorite 4) expensive
 2854. 1) complication of 2) to complicate 3) complicate 4) complicated

8 سراسری، هنر ۱۳۹۹

Globalization has affected most aspects of our lives. One area which has changed is education. More and more people move to different countries for their studies. At the same time, more people stay at home and study by (2855) learning. It is now easy (2856) without attending a college or university, or attending less often.

“Blended learning” means studying partly in a traditional way in the classroom and partly online or via email. These changes also mean that there is now more interest in “lifelong learning”, the idea that we go on learning throughout our working lives and even into (2857) It is easy to attend “webinars” or online seminars (2858) being away from our offices. Many adults go back to college later in life because it is so easy to get a degree without (2859) work or disrupting family life.

2855. 1) activity 2) distance 3) combination 4) achievement
 2856. 1) for learning 2) learn 3) to learn 4) learning
 2857. 1) ceremony 2) childhood 3) retirement 4) entertainment
 2858. 1) without 2) for 3) by 4) of
 2859. 1) giving up 2) turning around 3) taking notice of 4) taking part in

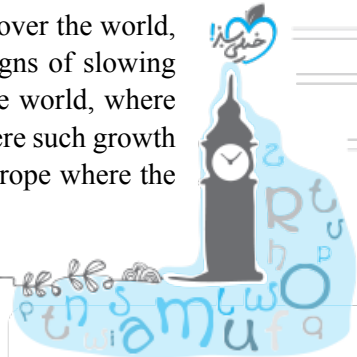
9 سراسری، ریاضی ۱۳۹۹

The human eye is nature's most fantastic organ, and the high degree of development of human society probably depends upon (2860) When nature first developed this intricate and adaptable organism, human eyes (2861) mainly for outdoor work and living. With the stress of indoor life and unnatural lighting, much pressure is placed on eyes today. Sometimes more than nature's assistance is needed to keep eyes in shape for the many uses they (2862) in modern life. It is also true that we have (2863) man's normal lifespan to almost twice what it was in ancient societies. Visual problems also increase with age, and eyes usually need some corrective (2864) as one grows older.

2860. 1) this organ is developing 2) this organ develops
 3) developing of this organ 4) the development of this organ
 2861. 1) used 2) we used 3) were used 4) have been used
 2862. 1) serve 2) improve 3) identify 4) receive
 2863. 1) expanded 2) replaced 3) saved 4) ranged
 2864. 1) skill 2) care 3) space 4) addiction

10 سراسری، انسانی ۱۳۹۹

It is surprising to realize how popular fast food has become (2865) the first fast food restaurant opened 100 years ago. Since then, high-calorie processed meals have spread all over the world, with multinational restaurant chains quickly experiencing (2866) that show no signs of slowing down. Much of this (2867) is currently taking place in less developed parts of the world, where potential for customer loyalty is seen as easier to develop, but it is not just in these areas where such growth is (2868) Indeed, a recent study found that such an increase also happened in Europe where the number of takeaways (2869) by 45 per cent between 1997 and 2015.



2941. Which of the following is NOT named as a medium in paragraph 3?

- 1) online blog 2) Instagram 3) Snapchat 4) bio

۱۴ خراج از کشور، انسانی ۱۳۹۸

⊗ At the start of every new year, many of us promise ourselves that a certain number of times a week we will go to the gym, go jogging, attend an exercise class, etc. But many of us have a hard time including exercise in our lives, or we start off well and then stop.

The key could be to find the right type of exercise for you. After all, if we end up doing something we enjoy and can see the positive effects of, we are more likely to do it for longer than a few weeks. Studies suggest that six weeks are all it takes to form a habit, so once we have managed to continue for that length of time, chances are that exercise has become a routine part of our lives that we do not question. So what exercise is right for you?

First of all, you need to find out what your goal is. Are you mainly interested in de-stressing or in getting healthier? If your important goal is relaxation, then ask yourself if you want to do this energetically, in which case a type of exercise based on boxing may, for example, be right for you. If you have a calmer style, then you could choose some exercise you can do alone, such as walking, doing some gardening, or selecting a brisk daily walk around the block. If you get more interested in working with others, then you could join a tennis, fitness or t'ai chi class, all designed to stretch and strengthen your muscles and with the added benefit of calming the mind.

2942. The passage claims that many of those who promise themselves at the beginning of each new year that they would start doing some type of exercise

- 1) never join a sports club 2) fail to keep their promise
3) have not already done any exercise 4) can only exercise several times a week

2943. On the whole, the passage is intended to

- 1) help people choose the right exercise for themselves
2) introduce the positive effects of exercise on people's health
3) explain the reasons why people stop exercising after some time
4) compare and contrast different types of exercise plans with one another

2944. The passage mentions all of the following about the effects of joining a t'ai chi class EXCEPT

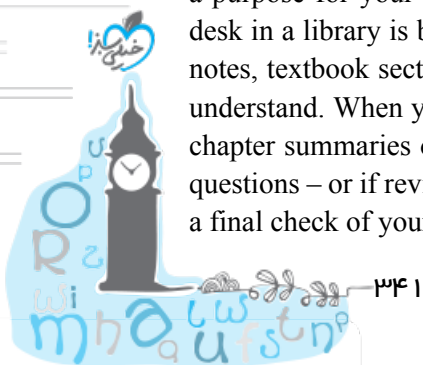
- 1) working with others 2) getting relaxation
3) strengthening your muscles 4) calming the mind

2945. According to the passage, doing exercise can become a habit if the person doing it

- 1) has made himself/herself a promise to do so 2) knows about his goal of exercising
3) selects an easy type of exercise 4) goes on doing it for six weeks

۱۵ سراسری، هنر ۱۳۹۹

⊗ It's not necessarily true that the longer you study, the greater your chances of getting a high score on a test. Time alone won't guarantee your success. You must study effectively, making the best use of your time. First, before an exam, talk to your teacher. Instead of asking, "What's on the test?" you can request guidelines about what topics will be covered and how you can best prepare. This information will provide a purpose for your study. Next, find a place to study where you will remain awake and undistracted: a desk in a library is better than a bed near a television. Then, with your purpose in mind, reread your class notes, textbook sections, and other materials. Underline key information and mark points that you do not understand. When you have finished this review, go back to these points and try to answer them. Use any chapter summaries or review materials that are available. Finally, if the teacher has provided sample test questions – or if review questions are available in the textbook – try to answer them. They will help you do a final check of your readiness for the exam.



پاسخ نامہ



wi
m h a q u f s t n p
p u z

Reading 1

سر الکساندر فلمینگ در سال ۱۸۸۱ در اسکاتلند متولد شد. او بعد از تمام کردن مدرسه، به لندن نقل مکان کرد و چهار سال بعد وارد دانشکده پزشکی «سن ماری» در دانشگاه لندن شد. او در سال ۱۹۰۶ فارغ التحصیل شد و در [همان] سن ماری، زیر نظر «سر آلمرات رایت»، باکتری‌شناس و ایمنی‌شناس بریتانیایی، شروع به تحقیق کرد. فلمینگ در اوایل کار طبابتش به فعالیت طبیعی باکتریایی خون و ضد عفونی کننده‌ها، مواد شیمیایی استفاده شده در جلوگیری از عفونت، علاقه‌مند شد. در سال ۱۹۲۸، هنگام کار روی ویروس آنفلوآنزا، متوجه شد که به طور اتفاقی روی یک ظرف باکتری، قارچ تشکیل شده و قارچ یک دایره عاری از باکتری دور خودش ایجاد کرده است. او آزمایش‌های بیشتری انجام داد و دریافت که کشت قارچ از رشد باکتری جلوگیری می‌کند. او این ماده فعال را پنی‌سیلین نامید.

سر الکساندر فلمینگ مقالات متعددی در مورد باکتری‌شناسی، ایمنی‌شناسی، و شیمی درمانی نوشت. از جمله شرح اولیه پنی‌سیلین. این مقالات در نشریات پزشکی و علمی منتشر شده است. در سال ۱۹۱۵، فلمینگ با «سارا ماریون»، که در سال ۱۹۴۹ از دنیا رفت، ازدواج کرد. او دوباره در سال ۱۹۵۳ ازدواج کرد. فلمینگ جایزه‌های بین‌المللی زیادی را دریافت کرد. او در ۱۱ مارس ۱۹۵۵ از دنیا رفت.

- ۳۸۶- **گزینه ۴** فلمینگ اولین شخصی بود که «پنی‌سیلین ساخت».
- ۳۸۷- **گزینه ۴** این جمله که «وقتی فلمینگ ۶۸ ساله بود، همسر اولش مرد» درست است.
- ۳۸۸- **گزینه ۲** از متن می‌فهمیم که «بعضی از انواع قارچ خواص ضد عفونی کننده دارند».
- ۳۸۹- **گزینه ۳** کلمه «خودش» در پاراگراف اول به «قارچ» برمی‌گردد.

Reading 2

دو نوع رگ خونی، خون را در بدن ما جابه‌جا می‌کند: سرخ‌رگ‌ها خون اکسیژن‌دار (خونی که اکسیژن را از ریه‌ها دریافت کرده) را از قلب به بقیه بدن می‌برند. خون سپس از طریق سیاهرگ‌ها به قلب و ریه‌ها برمی‌گردد، و در آنجا اکسیژن بیشتری دریافت می‌کند. وقتی قلب می‌تپد، شما می‌توانید گردش خون را در سرتاسر بدن در نقاط نبض‌دار، مانند گردن و مچ دست، جایی که سرخ‌رگ‌های بزرگ و پر از خون از نزدیک پوست رد می‌شوند، حس کنید. خون دارای دو نوع سلول خونی است: گلبول‌های قرمز و گلبول‌های سفید.

گلبول‌های قرمز حاوی پروتئین سرشار از آهن، یعنی هموگلوبین هستند. وقتی خون در بدن حرکت می‌کند، هموگلوبین به بافت‌ها اکسیژن می‌دهد. بدن بیش از هر نوع سلول دیگری، گلبول قرمز دارد، و هر کدام طول عمری حدود ۴ ماه دارند. گلبول‌های سفید خون بخش مهمی از سیستم بدن برای دفاع کردن از خود در برابر عفونت است. سلول‌های خونی درون مغز استخوان (بافت نرم داخل استخوان‌ها) ساخته می‌شوند. این سلول‌ها در دستگاه گردش خون حرکت می‌کنند و در مایعی تقریباً زردرنگ به نام پلاسما شناورند. ۹۰ درصد پلاسما آب است و حاوی مواد مغذی، پروتئین‌ها، هورمون‌ها و مواد زائد است. خون کامل، ترکیبی از سلول‌های خونی و پلاسما است.

- ۳۹۰- **گزینه ۲** طبق متن، سرخ‌رگ‌ها «اکسیژن را در سرتاسر بدن حمل می‌کنند».
- ۳۹۱- **گزینه ۲** این جمله که «نقاط نبض‌دار محل‌هایی هستند که سیاهرگ‌های بزرگ از نزدیکی پوست رد می‌شوند» صحیح نیست.

بدون شکستن، خم می‌شود. از این استخوان نهنگ برای ساختن حلقه‌های دامن‌های گرد که در آن زمان میان زنان مرسوم بود، استفاده می‌شد. از چربی نهنگ به عنوان ماده خام برای ساخت لوازم آرایش برای زنان استفاده می‌شد و گوشت نهنگ در بازار برای مصرف فروخته می‌شد. امروزه، نهنگ آبی تقریباً منقرض شده است. دیگر انواع نهنگ، از قبیل نهنگ قاتل و نهنگ خاکستری، تحت حفاظت خاص هستند. تنها گونه‌ای از نهنگ که به نظر می‌رسد از انقراض (۳۸۰) گریخته، دلفین است.

۳۷۶- **گزینه ۴** با توجه به معنی جمله، از صفت برترین استفاده می‌کنیم، چون نهنگ آبی با تمام حیواناتی که انسان سراغ دارد مقایسه شده است. صفت‌های عالی، قبل از خود به حرف تعریف the نیاز دارند.

- ۳۷۷- **گزینه ۳**
- ۱) بزرگ‌ترین (البته یک حرف تعریف the کم دارد)
- ۲) بزرگ‌تر
- ۳) بزرگ‌تر از
- ۴) بزرگ‌ترین
- ۳۷۸- **گزینه ۱**
- ۱) ماده (۲) عضو، اندام (۳) مایع (۴) سلول
- ۳۷۹- **گزینه ۳**
- ۱) میان (۲) از جمله؛ میان (۳) از قبیل (۴) علیه؛ مقابل
- ۳۸۰- **گزینه ۲**
- ۱) دفاع کرده (۲) گریخته (۳) حمله کرده (۴) نگران کرده؛ نگران شده

cloze 6

برای اهدای خون، شما باید ۱۷ ساله یا (۳۸۱) بزرگ‌تر باشید و وزنتان (۳۸۲) بیشتر از ۵۰ کیلوگرم باشد. اهدای خون، قبل از این‌که پای خود را در بانک خون بگذارید، شروع می‌شود. صبحانه یا ناهاری معمولی بخورید، ولی از غذاهای چرب مانند برگر و سیب‌زمینی سرخ‌کرده، پرهیز کنید و حتماً مقدار زیادی آب، شیر، یا از دیگر (۳۸۴) مایعات بنوشید. قبل از اهدا کردن [خون]، باید به چند سؤال در مورد سابقه پزشکی‌تان پاسخ بدهید، و اجازه بدهید دما، نبض، فشار خون و تعداد گلبول‌های خونی‌تان را بررسی کنند. خون اهداشده از نظر ویروس، از جمله اچ‌آی‌وی و هپاتیت بی و هپاتیت سی، بررسی می‌شود. اگر هر کدام از این‌ها یافت شود، آن خون (۳۸۵) از بین برده می‌شود.

- ۳۸۱- **گزینه ۲**
- ۱) بزرگ (۲) بزرگ‌تر (۳) به بزرگی ... (۴) بزرگ‌تر از
- ۳۸۲- **گزینه ۳**
- ۱) کم‌تر از (۲) به اندازه ... (۳) بیشتر از (۴) به تعداد ...
- ۳۸۳- **گزینه ۴**
- ۱) عجیب (۲) سالم (۳) خوش‌مزه (۴) چرب
- ۳۸۴- **گزینه ۳**
- ۱) اعضا، اندام‌ها (۲) هدایا (۳) مایعات (۴) شگفتی‌ها
- ۳۸۵- **گزینه ۴**
- ۱) تمیز می‌شود (۲) با ... مبارزه می‌شود (۳) [به طور غیر عمد] انداخته می‌شود (۴) از بین برده می‌شود



۴۷۶- **گزینه ۴** «مطالعات نشان می‌دهد که زنان عموماً نسبت به مردان، عکس‌های بیشتری از خودشان می‌گیرند.»

(۱) زنان عموماً خودشان عکس مردان را بیشتر می‌گیرند

(۲) زنان عموماً خودشان نسبت به مردان بیشتر عکس می‌گیرند

(۳) زنان عموماً از خودشان و مردان عکس‌های بیشتری می‌گیرند

(۴) زنان عموماً نسبت به مردان، عکس‌های بیشتری از خودشان می‌گیرند

با توجه به حضور more، از حرف اضافه than استفاده می‌کنیم تا بین زنان و مردان مقایسه به عمل بیاوریم. زنان عکس را از خودشان می‌گیرند؛ پس چون فاعل و مفعول جمله یکسان است، به جای ضمیر مفعولی از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم. به ترجمه گزینه‌ها که برایتان نوشتیم دقت کنید تا علت نادرستی آن‌ها بیشتر برایتان معلوم شود.

۴۷۷- **گزینه ۲** «نیازی نیست برای ما غذا درست کنی. ما برای خودمان چیزی برای خوردن آورده‌ایم.»

در جمله اول، فاعل (you) و مفعول (us) با هم فرق دارند، پس نیازی به ضمیر انعکاسی نداریم. در جمله دوم، فاعل (we) کار را برای خودش انجام داده، پس به جای us از ourselves استفاده می‌کنیم. در حقیقت در جمله دوم، ضمیر ourselves مفعول غیرمستقیم (متمم) جمله است و something مفعول مستقیم (بی‌واسطه) است.

۴۷۸- **گزینه ۴** «من نمی‌توانم تند تایپ کنم، ولی همیشه نامه‌های خودم را تایپ می‌کنم.»

این تست را نوشتیم تا بگوییم نمی‌توانید به ضمیرهای تأکیدی و انعکاسی، s مالکیت بدهید. اگر گزینه (۱) را انتخاب کرده باشید، معنی جمله به هم می‌ریزد: «من برای خودم نامه‌هایی تایپ می‌کنم». گزینه (۲) تقریباً این‌طور ترجمه می‌شود: «من نامه‌های خودی را تایپ می‌کنم». ولی گزینه (۴) که جواب صحیح است، هم مالکیت را نشان می‌دهد، هم روی «خود» تأکید می‌کند: «نامه‌های خودم را تایپ می‌کنم.»

۴۷۹- **گزینه ۲** «خانم‌ها و آقایان! این یک بوفه باز است؛ پس، از خودتان پذیرایی کنید.»

اصطلاح to help oneself به معنی «پذیرایی کردن از خود» است و در حالت help yourself یا help yourselves می‌تواند به شکل «بفرمایید» هم ترجمه شود. از بین گزینه‌های (۱) و (۲)، گزینه (۳) را ترجیح می‌دهیم، چون مخاطبمان «خانم‌ها و آقایان» و بیشتر از یک نفر است.

۴۸۰- **گزینه ۱** «دیروز وقتی به تو زنگ زدم، به کسی نیاز داشتم که با من به دندان‌پزشکی بیاید.»

فعل need (نیازداشتن) یک فعل «حالت» است و بهتر است به شکل استمراری به کار نرود. حرف اضافه with (با ...) نشان‌دهنده «مجاورت و همراهی» است، در چنین مواردی، نمی‌توانیم از ضمیر انعکاسی استفاده کنیم.

۴۸۱- **گزینه ۴** «دوست داری برای شام به من ملحق شوی؟ من دوست ندارم تنهایی غذا بخورم.»

وقتی از ضمیر انعکاسی همراه با by استفاده می‌کنیم، یعنی «تنهایی و بدون همراهی یا کمک شخص دیگر».

۴۸۲- **گزینه ۲** الف: «آیا کسی به آن‌ها در انجام دادن پروژه کمک کرد؟» ب: «نه، آن دانشجویان، تد و تام، خودشان پروژه را انجام دادند. آن‌ها در واقع با هم حسابی کار کردند.»

برای تأکید روی فاعل، از ضمیر تأکیدی استفاده می‌کنیم و آن را بعد از فاعل قرار می‌دهیم. گزینه (۱) یک ضمیر موصولی است که معنی «که» می‌دهد و مربوط به درس (۲) دوازدهم است. نمی‌توانیم در این جمله از ضمیر موصولی استفاده کنیم، چون بعد از آن هیچ جمله وصفی‌ای وجود ندارد. گزینه (۲) هم نادرست است چون نمی‌توانیم ضمیر فاعلی را دوباره بعد از فاعل تکرار کنیم. گزینه (۴) هم به نوعی به درس (۲) دوازدهم مربوط می‌شود و مشکل آن این است که یک ضمیر موصولی به معنی «که» کم دارد.

۴۸۳- **گزینه ۲** «وقتی دانش‌آموزی در کلاس به معلم گوش نمی‌دهد و با دیگران صحبت می‌کند، مانع یادگیری خودش و دیگران می‌شود.»

فاعل و مفعول جمله دوم یکسان است؛ یعنی «دانش‌آموز» مانع یادگیری «خودش» می‌شود. وقتی فاعل و مفعول جمله یکسان باشد، از ضمیر انعکاسی به عنوان مفعول جمله استفاده می‌کنیم. شما در درس (۳) دهم با این ضمیر در شکل تأکیدی آشنا می‌شوید، ولی طراح، دانسته یا ندانسته، این ضمیر را در شکل انعکاسی به شما سؤال داده است. خوشبختانه در کتاب خیلی سبز ضمیر انعکاسی هم تدریس شده است.

۴۸۴- **گزینه ۱** «من و جرالد شبی که از رستورانمان دزدی شد فراموش کرده بودیم در را قفل کنیم.»

مشکل گزینه‌های (۲) و (۴) این است که یک ضمیر فاعلی I کم دارند. تا فاعل وجود نداشته باشد، نمی‌توانیم از ضمیر تأکیدی فاعلی استفاده کنیم. مشکل گزینه (۳) این است که باید به جای themselves (خودشان) می‌گفت ourselves (خودمان).

۴۸۵- **گزینه ۴** «وقتی خانم ساکودا با میچیکو تماس گرفت، او نتوانست پای تلفن بیاید، چون داشت در آزمایشگاه کار می‌کرد.»

(۱) کار می‌کند (۲) کار کرده است

(۳) کار خواهد کرد؛ کار می‌کرد (۴) داشت کار می‌کرد

از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم تا نشان بدهیم فاعل در یک لحظه خاص در گذشته، مشغول انجام دادن کاری بوده است. گزینه (۲) مربوط به درس ۲ یازدهم و گزینه (۳) مربوط به درس (۲) دوازدهم است.

۴۸۶- **گزینه ۴** کودک در گهواره خود خوابیده بود، بنابراین ما باید بسیار دقت می‌کردیم که سر و صدا نکنیم و او را بیدار نکنیم.

(۱) اعتقاد، باور (۲) درد

(۳) حافظه؛ خاطره، یاد (۴) گهواره

۴۸۷- **گزینه ۴** برندگان کسانی نیستند که هرگز شکست نمی‌خورند، بلکه کسانی هستند که هرگز از تلاش دست نمی‌کشند.

(۱) موفق شدن

(۲) توسعه یافتن، رشد کردن، شکل گرفتن

(۳) توجه کردن، فهمیدن؛ دیدن

(۴) ترک کردن؛ رها کردن، دست کشیدن از

حواستان باشد که فعل quit هم می‌تواند باقاعده (quitted) باشد، هم بی‌قاعده (quit). باز هم حواستان باشد که آن را با quiet (ساکت، آرام؛ آرامش، سکوت) و quite (کاملاً؛ واقعاً؛ تقریباً) اشتباه نگیرید.

۴۸۸- **گزینه ۲** دلم برایش سوخت وقتی داستانش را شنیدم و فهمیدم که آن‌ها او را دچار این همه دردسر کرده‌اند.

گزینه‌ها را ترجمه نکردم، چون برای حل این تست باید با ترکیب feel sorry for sb آشنا باشید. این ترکیب را در فارسی، معمولاً به شکل «دل (کسی) سوختن برای ...» ترجمه می‌کنند.

۴۸۹- **گزینه ۲** من نمی‌دانم او چگونه می‌تواند با موفقیت، زندگی خانوادگی و کارش را با هم ترکیب کند.

(۱) متأسفانه (۲) بد، به طور بدی

(۳) با موفقیت (۴) به شدت

۴۹۰- **گزینه ۳** دانشمندان اعتقاد دارند آزمایش‌هایی که آن‌ها روی میمون‌ها انجام می‌دهند می‌تواند تصویری از تأثیر این بیماری در انسان به ما بدهد.

(۱) اختراع (۲) دارو؛ پزشکی (۳) آزمایش (۴) ارزش؛ قیمت

۴۹۱- **گزینه ۱** تعداد زیادی از افرادی که در سنین پیری از دنیا می‌روند فقط به این خاطر است که بدن آن‌ها دیگر نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد.



(۱) از دنیا رفتن
(۳) کنار گذاشتن

(۲) دست کشیدن از
(۴) فکر کردن به

۴۹۲- **گزینه ۱** من طی یک سال گذشته به طور روزانه جای سبز نوشیده‌ام و اکنون احساس می‌کنم به اندازه ۲۰ سالگی پُرانرژی هستم.

(۱) پُرانرژی
(۳) تنها

(۲) موفق
(۴) ضعیف

۴۹۳- **گزینه ۲** از بدشمنی، فراموش کردم گذرنامه‌ام را از جیب [لباسم] در بیاورم، قبل از این که آن را در ماشین لباسشویی بگذارم.

(۱) مخصوصاً
(۳) از بدشمنی؛ بدبختانه

(۲) ناگهان
(۴) در ابتدا

۴۹۴- **گزینه ۲** متأسفم که تو را در دردرس انداختم. باور کن! دیگر هرگز این اتفاق نخواهد افتاد.

(۱) چه عالی!
(۳) واقعاً؟ راست می‌گویی؟

(۲) باور کن! مطمئن باش!
(۴) چه قدر عالی! چه عجیب!

۴۹۵- **گزینه ۱** رامونا علاقه خود را به باغبانی، که باعث خوشحالی او در گذشته می‌شد، از دست داده است.

(۱) علاقه به (۲) حسی ... (۳) اعتقاد به (۴) دانش ...

۴۹۶- **گزینه ۲** آن‌ها فکر می‌کنند راهبردی که ما انتخاب کرده‌ایم می‌تواند مشکلات بیشتری از آن چه حل می‌کند، به وجود بیاورد.

(۱) توسعه‌دادن؛ به وجود آوردن
(۲) حل کردن

(۳) دنبال (چیزی) گشتن؛ سعی کردن
(۴) ساختن

۴۹۷- **گزینه ۴** من شخصاً معتقدم که هرکسی اگر به اندازه کافی سخت کار کند و کمی [هم] شانس داشته باشد، می‌تواند موفق شود.

(۱) علاقه‌مند (۲) مفید (۳) شرم‌نده (۴) موفق
۴۹۸- **گزینه ۲** خیلی خیلی طول کشید تا به بیمارستان برسیم، چون باران به شدت می‌بارید و ترافیک وحشتناک بود.

(۱) با مهارت، ماهرانه
(۳) خوشبختانه

(۲) به شدت
(۴) به شکل دردناکی

۴۹۹- **گزینه ۴** بیشتر موفقیت فیلم از این تصمیم عاقلانه ناشی می‌شود که دو داستان را هم‌زمان تعریف می‌کند.

(۱) خسارت؛ فقدان؛ شکست (۲) نظر؛ عقیده؛ فکر
(۳) شرم (۴) موفقیت

۵۰۰- **گزینه ۴** تحقیق جدیدی که دانشمندان روی حیوانات انجام داده‌اند منجر به پیشرفت‌های پزشکی مهمی شده است.

برای حل این تست باید از ترکیب do research (انجام‌دادن تحقیق) که عیناً در کتاب درسی‌تان به کار رفته استفاده می‌کردید.

۵۰۱- **گزینه ۲** او خجالت‌زده بود، چون احساس می‌کرد که دارد سخت‌کوشی شخص دیگری را می‌گیرد و از آن برای ساختن یک فوق‌ستاره از خودش استفاده می‌کند.

(۱) موفق (۲) خجالت‌زده، شرم‌نده
(۳) مشهور (۴) معرکه، باحال

۵۰۲- **گزینه ۲** [بیماری] کووید-۱۹ زندگی ما را چنان سریع تغییر داده است که اکثر ما قادر به کنترل این وضعیت نیستیم.

(۱) به آسانی
(۳) سریع

(۲) به طرز جالبی
(۴) به طرز موفقیت‌آمیزی

۵۰۳- **گزینه ۲** خانه در چنان وضعیت بدی قرار دارد که یا هیچ کس نمی‌خواهد آن را بخرد، یا قیمتی که از آن به دست می‌آید، بسیار کم خواهد بود.

(۱) عمل، اقدام
(۳) وضعیت، حالت

(۲) لحظه
(۴) [چهره] حالت؛ بیان؛ اصطلاح

۵۰۴- **گزینه ۴** آیا می‌شود هر کسی که دوست دارد در مهمانی شب‌شنبه شرکت کند، تا بعدازظهر جمعه به من خبر بدهد؟

(۱) به دست آوردن، کسب کردن
(۲) مشاهده کردن؛ رعایت کردن

(۳) توصیف کردن
(۴) شرکت کردن در، حضور یافتن در، دقت کردن

۵۰۵- **گزینه ۲** او مدت کوتاهی بین بیست تا سی سالگی اش مشهور بود؛ ولی با گذشت زمان نامش فراموش شد.

(۱) شرم‌نده؛ خجالت‌زده (۲) مشهور
(۳) بدشمن؛ بدبخت؛ ناگوار (۴) علاقه‌مند

۵۰۶- **گزینه ۱** این فناوری یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای پزشکی ۳۰ سال گذشته محسوب می‌شود، اما متأسفانه روی همه بیماران جواب نمی‌دهد.

(۱) متأسفانه؛ با اندوه
(۳) خوشبختانه

(۲) به طور ضعیفی؛ با بی‌حالی
(۴) با قدرت؛ به شدت

۵۰۷- **گزینه ۴** آن‌ها قبرهای سربازان گمنام را دوباره باز کردند تا از طریق آزمایش دی‌ان‌ای هویتشان را شناسایی کنند.

(۱) آزمایشگاه
(۳) شخصیت

(۲) دارو؛ طب
(۴) قبر

۵۰۸- **گزینه ۱** وقتی بچه بودیم، خیلی به هم نزدیک بودیم، ولی وقتی بزرگ شدیم، از یکدیگر دورتر و دورتر شدیم.

(۱) بزرگ شدن
(۲) بیرون پریدن

(۳) رها کردن
(۴) [آتش و سیگار و چراغ و غیره] خاموش کردن

۵۰۹- **گزینه ۲** رمان‌های او پرفروش و هم‌چنین منبعی غنی از داستان برای صنعت فیلم‌سازی است.

(۱) پُرانرژی، فعال
(۳) مقدس

(۲) پُرمايه؛ غنی، پُر بار؛ ثروتمند
(۴) ضعیف

۵۱۰- **گزینه ۳** من به نظر شما احترام می‌گذارم، اما راستش را بخواهید، قویاً با آن مخالفم.

(۱) ناگهان
(۳) قویاً، به شدت

(۲) به طور شفاهی
(۴) به سرعت

۵۱۱- **گزینه ۲** این شغل نیاز به صحبت کردن با تعداد زیادی از مردم دارد، به همین خاطر کسی را ترجیح می‌دهیم که یک شخصیت خونگرم (اجتماعی) داشته باشد.

(۱) آزمایش (۲) شخصیت (۳) تأکید (۴) اعتقاد

(۲) تأکید (۳) تأکید (۴) اعتقاد

- (۱) از جمله‌ای که قبل‌تر آمده است پشتیبانی کند
- (۲) تعداد زبان‌های روی اینترنت را نشان بدهد
- (۳) ثابت کند که این زبان‌های آفریقایی هستند که بیشتر نادیده گرفته می‌شوند
- (۴) تأکید کند که نجات زبان‌ها از انقراض یک وظیفه جهانی است

Reading 27

بیشتر مردم می‌توانند به راحتی تصاویر را در سر خود مجسم کنند؛ که به «چشم ذهن» آن‌ها معروف است. ولی امسال دانشمندان اختلالی به نام آفانتاسیا را توصیف کرده‌اند، که طی آن بعضی‌ها از تجسم تصاویر ذهنی ناتوان هستند. نیل کینور، اهل لنکستر، همیشه چشم ذهنش کور بوده است. او حتی در کودکی هم می‌دانست که با بقیه فرق دارد. او می‌گوید: «وقتی نمی‌توانستم بخوابم، ناپدری‌ام به من می‌گفت گوسفندان را بشمارم، و توضیح می‌داد که منظورش چیست، من سعی می‌کردم این کار را بکنم ولی نمی‌توانستم. من نمی‌توانستم هیچ گوسفندی در حال پریدن از روی نرده‌ها ببینم، چیزی برای شمردن وجود نداشت.»

خاطرات ما اغلب با تصاویر گره خورده است، یک جشن تولد یا روز اول مدرسه را به خاطر بیاورید. از این رو، نیل اعتراف می‌کند، حافظه‌اش از بعضی جوانب «افتضاح» است، ولی او در به خاطر سپردن واقعیت‌ها بسیار ماهر است. و مانند دیگر افراد مبتلا به آفانتاسیا، چهره‌ها را به‌زحمت تشخیص می‌دهد. با این حال، او آفانتاسیا را یک معلولیت نمی‌داند، بلکه آن را فقط روشی متفاوت برای تجربه کردن زندگی می‌داند.

۲۹۹۴- **گزینه ۳** ما می‌توانیم به درستی از متن استنباط کنیم که نیل کینور

- (۱) در کودکی پدرش را ندید
 - (۲) در شهری غیر از لنکستر متولد شد
 - (۳) خود را با بیماری‌اش وفق داده است
 - (۴) اکنون به عنوان یک محقق فعالیت می‌کند
- ۲۹۹۵- **گزینه ۱** طبق متن، نیل گوسفندان را نمی‌شمرد چون او

- (۱) نمی‌توانست هیچ گوسفندی را مجسم کند
- (۲) قبلاً هیچ گوسفندی ندیده بود
- (۳) نمی‌خواست بخوابد
- (۴) با ریاضی آشنا نبود

۲۹۹۶- **گزینه ۱** طبق متن کدام جمله درباره چشم ذهن نیل درست است؟

- (۱) حافظه او را ضعیف کرده است.
- (۲) برای او دردسرهای زیادی در زندگی ایجاد کرده است.
- (۳) به او تصویری متفاوت از جهان اطرافمان داده است.
- (۴) به تعبیری او را قادر ساخته است تا غریبه‌ها را به راحتی تشخیص دهد.

۲۹۹۷- **گزینه ۲** نویسنده در پاراگراف ۲ عمدتاً به این منظور به «جشن تولد یا روز اول مدرسه» اشاره می‌کند که

- (۱) شدت آفانتاسیا را شرح دهد
- (۲) رابطه بین خاطرات انسان و تصاویر را نشان دهد
- (۳) بر مشکلاتی که افراد مبتلا به آفانتاسیا در رابطه با خود واقعیشان دارند تأکید کند
- (۴) توضیح دهد که یک ناتوانی، هرچه که باشد، نمی‌تواند باعث شود فرد مبتلا از زندگی لذت نبرد

- ۲۹۸۹- **گزینه ۱** کدام یک از جمله‌های زیر، در صورت درستی، قدرت استدلال عرضه‌شده در مخالفت با توضیح دوم را کاهش می‌دهد؟
- (۱) پتروسورها همیشه روی زمین فرود می‌آمدند.
 - (۲) پتروسورها بزرگ‌تر از آن بودند که اصلاً قادر به فرود آمدن باشند.
 - (۳) پتروسورها در مناطق دورافتاده و دور از جنگل‌های متراکم تخم می‌گذاشتند.
 - (۴) کالبدشناسی پتروسورها آن قدری که باید مورد بررسی قرار نگرفته است.

Reading 26

سواحلی زبان‌هایی که می‌خواهند با استفاده از یک «compyuta»، که معادل سواحلی رایانه است، ارتباط برقرار کنند، قادر به انجام این کار به زبان خودشان نیستند. فرقی هم نمی‌کند که رایانه‌ها هارددیسک‌های عظیم و نرم‌افزارهای پیشرفته داشته باشند. آن‌ها نمی‌توانند به زبان سواحلی یا سایر زبان‌های آفریقایی که صدها مورد از آن‌ها وجود دارد کار کنند. ولی ممکن است به‌زودی بتوانند. زبان‌شناسان در آفریقا دارند با متخصصان فناوری اطلاعات همکاری می‌کنند تا رایانه‌ها را برای آفریقایی‌هایی که هیچ‌یک از زبان‌هایی را که در حال حاضر در اینترنت استفاده می‌شود بلد نیستند، قابل استفاده کنند. اقتصاد دارد این تغییر را به وجود می‌آورد. مایکروسافت احساس می‌کند بازاری برای نرم‌افزارش در میان سواحلی‌زبانان شرق آفریقا وجود دارد. اکنون گوگل یک موتور جستجو برای سواحلی‌زبانان در کنیا دارد. سایر شرکت‌های نرم‌افزاری احتمالاً به‌زودی محصولات خود را برای مصرف‌کنندگان آفریقایی تولید می‌کنند. علاوه بر اقتصاد، دلیل دیگری نیز برای در دسترس قرار دادن رایانه برای آفریقایی‌ها وجود دارد. صدها زبان آفریقایی در حال انقراض است و زبان‌شناسان رایانه را راهی برای نجات آن‌ها می‌دانند. بر اساس برآوردهای یونسکو، ۹۰ درصد از ۶۰۰۰ زبان دنیا روی اینترنت نیستند و هر روز یک زبان در جایی از جهان منقرض می‌شود. امید می‌رود رایانه‌ها بتوانند به نجات آن‌ها کمک کنند.

۲۹۹۰- **گزینه ۳** طبق متن، کدام یک از جمله‌های زیر درباره مردم سواحلی زبان درست است؟

- (۱) آن‌ها فاقد مهارت‌های لازم برای استفاده از رایانه هستند.
- (۲) آن‌ها مایل نیستند در زندگیشان از رایانه استفاده کنند.
- (۳) آن‌ها به زبانی صحبت می‌کنند که نمی‌توانند با آن از طریق رایانه ارتباط برقرار کنند.
- (۴) آن‌ها هارددرایو و نرم‌افزار لازم را ندارند تا استفاده از رایانه را به یک واقعیت تبدیل کنند.

۲۹۹۱- **گزینه ۲** متن دلالت بر این دارد که تعداد زبان‌هایی که افراد نمی‌توانند از طریق آن با رایانه کار کنند

- (۱) به صورت روزانه در حال افزایش
 - (۲) بیش از یکی
 - (۳) فقط محدود به کشورهای آفریقایی
 - (۴) هنوز نامشخص
- ۲۹۹۲- **گزینه ۴** از متن می‌تواند نتیجه گرفته شود که آفریقایی‌هایی وجود دارند که

- (۱) به زبان‌هایی صحبت می‌کنند که اصلاً قالب نوشتاری ندارد
 - (۲) دارند زبان‌هایی اختراع می‌کنند که مطمئناً منقرض خواهد شد
 - (۳) به نیت واقعی شرکت‌های خارجی اعتماد چندانی ندارند
 - (۴) با هیچ زبانی غیر از زبان مادریشان آشنا نیستند
- ۲۹۹۳- **گزینه ۱** نویسنده از یونسکو بیشتر به این منظور اسم آورده است که

☺ ما یک سوم زندگی خود را صرف انجام آن می‌کنیم. ناپلئون و فلورانس نایتینگل با شبی چهار ساعت سر می‌کردند. توماس ادیسون مدعی بود که این وقت تلف کردن است.

پس چرا ما می‌خواهیم؟ این سؤالی است که قرن‌ها دانشمندان را سردرگم کرده است و جوابش این است که هیچ‌کس واقعاً مطمئن نیست. بعضی‌ها معتقدند خواب به بدن فرصتی می‌دهد که بعد از فعالیت‌های روزانه تجدید قوا کند ولی در واقعیت، مقدار انرژی ذخیره‌شده حتی با هشت ساعت خواب، ناچیز است؛ حدود ۵۰ کیلوکالری، همان مقدار انرژی‌ای که در یک تکه نان تُست وجود دارد.

با فقدان مداوم خواب کافی، آن بخش از مغز که زبان، حافظه، برنامه‌ریزی و حس زمان را کنترل می‌کند به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد و عملاً خاموش می‌شود. در واقع، ۱۷ ساعت بیداری مداوم منجر به کاهش چشمگیری در عملکرد می‌شود.

تحقیقات همچنین نشان می‌دهد افراد بی‌خواب اغلب در واکنش به وضعیت‌های سریع‌التغییر و انجام قضاوت‌های منطقی با مشکل مواجه می‌شوند. در شرایط زندگی واقعی، نتایج نهایی وخیم است و گفته می‌شود کمبود خواب عامل مهمی در [وقوع] تعدادی از فجایع جهانی از جمله [فاجعه] اکسون والدز، چرنوبیل، [حادثه] جزیره تری مایل و انفجار شاتل چلنجر بوده است.

کمبود خواب نه تنها تأثیر زیادی بر عملکرد شناختی بلکه بر سلامت عاطفی و جسمی دارد. اختلالاتی مانند آپنه خواب که منجر به خواب‌آلودگی بیش از حد در طول روز می‌شود با استرس و فشارخون بالا ارتباط دارد.

تحقیقات همچنین نشان داده است که امکان دارد بی‌خوابی احتمال خطر چاقی را افزایش بدهد، چون مواد شیمیایی و هورمون‌هایی که در کنترل اشتها و افزایش وزن نقشی کلیدی دارند، در طول خواب آزاد می‌شوند.

۲۹۹۸- **گزینه ۴** کلمه «it» (این) در پاراگراف ۱ به چه چیزی اشاره دارد؟

- (۱) تمرکز روی ناپلئون و فلورانس نایتینگل
- (۲) سرکردن با چهار ساعت [خواب] در شب
- (۳) دو سوم زندگی ما
- (۴) خوابیدن به‌طور کلی

۲۹۹۹- **گزینه ۳** کدام‌یک از جمله‌های زیر نحوه سازماندهی اطلاعات موجود در متن را به بهترین شکل توصیف می‌کند؟

- (۱) یک ادعای کلی مطرح می‌شود و سپس با توجه به اطلاعات جدید رد می‌شود.
- (۲) پیشنهادی مطرح می‌شود و فهرستی از دلایل مؤید آن ارائه می‌شود.
- (۳) سؤالی پرسیده می‌شود و تلاش می‌شود تا راه حلی ارائه شود.
- (۴) مشکلی ذکر می‌شود و علل آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳۰۰۰- **گزینه ۴** کلمه «miniscule» (ناچیز) در پاراگراف ۲ از نظر معنی نزدیک است به

- (۱) نادر
- (۲) پایه‌ای؛ ابتدایی
- (۳) دقیق
- (۴) بی‌اهمیت

۳۰۰۱- **گزینه ۲** به تمام موارد زیر به عنوان نتایج احتمالی بی‌خوابی اشاره شده است به جز

- (۱) چاقی
- (۲) از دست دادن اشتها
- (۳) قضاوت ضعیف
- (۴) کاهش توانایی حافظه



پسرخ نامہ کلیدی

پسرخ نامہ کلیدی

۳	-۲۰۵	۴	-۱۷۱	۲	-۱۳۷	۲	-۱۰۳	۲	-۶۹	۴	-۳۵	۱	-۱
۴	-۲۰۶	۲	-۱۷۲	۴	-۱۳۸	۱	-۱۰۴	۴	-۷۰	۴	-۳۶	۲	-۲
۳	-۲۰۷	۳	-۱۷۳	۳	-۱۳۹	۲	-۱۰۵	۲	-۷۱	۳	-۳۷	۳	-۳
۲	-۲۰۸	۳	-۱۷۴	۱	-۱۴۰	۲	-۱۰۶	۱	-۷۲	۳	-۳۸	۲	-۴
۲	-۲۰۹	۴	-۱۷۵	۲	-۱۴۱	۳	-۱۰۷	۴	-۷۳	۲	-۳۹	۲	-۵
۳	-۲۱۰	۳	-۱۷۶	۴	-۱۴۲	۱	-۱۰۸	۴	-۷۴	۲	-۴۰	۳	-۶
۳	-۲۱۱	۳	-۱۷۷	۲	-۱۴۳	۳	-۱۰۹	۱	-۷۵	۲	-۴۱	۴	-۷
۴	-۲۱۲	۲	-۱۷۸	۲	-۱۴۴	۲	-۱۱۰	۳	-۷۶	۴	-۴۲	۲	-۸
۲	-۲۱۳	۳	-۱۷۹	۳	-۱۴۵	۱	-۱۱۱	۴	-۷۷	۲	-۴۳	۴	-۹
۳	-۲۱۴	۱	-۱۸۰	۲	-۱۴۶	۲	-۱۱۲	۲	-۷۸	۲	-۴۴	۲	-۱۰
۱	-۲۱۵	۲	-۱۸۱	۲	-۱۴۷	۳	-۱۱۳	۳	-۷۹	۲	-۴۵	۳	-۱۱
۱	-۲۱۶	۳	-۱۸۲	۲	-۱۴۸	۳	-۱۱۴	۱	-۸۰	۱	-۴۶	۱	-۱۲
۲	-۲۱۷	۴	-۱۸۳	۴	-۱۴۹	۲	-۱۱۵	۲	-۸۱	۳	-۴۷	۳	-۱۳
۳	-۲۱۸	۴	-۱۸۴	۳	-۱۵۰	۴	-۱۱۶	۳	-۸۲	۲	-۴۸	۲	-۱۴
۱	-۲۱۹	۴	-۱۸۵	۳	-۱۵۱	۲	-۱۱۷	۴	-۸۳	۲	-۴۹	۴	-۱۵
۱	-۲۲۰	۳	-۱۸۶	۴	-۱۵۲	۳	-۱۱۸	۲	-۸۴	۳	-۵۰	۱	-۱۶
۲	-۲۲۱	۳	-۱۸۷	۱	-۱۵۳	۲	-۱۱۹	۳	-۸۵	۱	-۵۱	۳	-۱۷
۲	-۲۲۲	۲	-۱۸۸	۱	-۱۵۴	۲	-۱۲۰	۲	-۸۶	۲	-۵۲	۲	-۱۸
۴	-۲۲۳	۴	-۱۸۹	۲	-۱۵۵	۲	-۱۲۱	۱	-۸۷	۱	-۵۳	۲	-۱۹
۲	-۲۲۴	۳	-۱۹۰	۳	-۱۵۶	۳	-۱۲۲	۱	-۸۸	۳	-۵۴	۲	-۲۰
۲	-۲۲۵	۳	-۱۹۱	۱	-۱۵۷	۲	-۱۲۳	۳	-۸۹	۳	-۵۵	۴	-۲۱
۴	-۲۲۶	۳	-۱۹۲	۲	-۱۵۸	۳	-۱۲۴	۴	-۹۰	۲	-۵۶	۳	-۲۲
۴	-۲۲۷	۲	-۱۹۳	۴	-۱۵۹	۳	-۱۲۵	۱	-۹۱	۲	-۵۷	۴	-۲۳
۲	-۲۲۸	۳	-۱۹۴	۱	-۱۶۰	۳	-۱۲۶	۲	-۹۲	۳	-۵۸	۱	-۲۴
۱	-۲۲۹	۲	-۱۹۵	۲	-۱۶۱	۴	-۱۲۷	۳	-۹۳	۲	-۵۹	۴	-۲۵
۱	-۲۳۰	۲	-۱۹۶	۴	-۱۶۲	۳	-۱۲۸	۲	-۹۴	۴	-۶۰	۴	-۲۶
۳	-۲۳۱	۳	-۱۹۷	۲	-۱۶۳	۱	-۱۲۹	۴	-۹۵	۴	-۶۱	۳	-۲۷
۴	-۲۳۲	۴	-۱۹۸	۳	-۱۶۴	۱	-۱۳۰	۲	-۹۶	۲	-۶۲	۴	-۲۸
۲	-۲۳۳	۱	-۱۹۹	۲	-۱۶۵	۳	-۱۳۱	۲	-۹۷	۳	-۶۳	۲	-۲۹
۳	-۲۳۴	۲	-۲۰۰	۳	-۱۶۶	۴	-۱۳۲	۴	-۹۸	۱	-۶۴	۳	-۳۰
۳	-۲۳۵	۲	-۲۰۱	۴	-۱۶۷	۱	-۱۳۳	۳	-۹۹	۲	-۶۵	۴	-۳۱
۳	-۲۳۶	۱	-۲۰۲	۳	-۱۶۸	۴	-۱۳۴	۴	-۱۰۰	۱	-۶۶	۳	-۳۲
۱	-۲۳۷	۳	-۲۰۳	۳	-۱۶۹	۲	-۱۳۵	۳	-۱۰۱	۱	-۶۷	۲	-۳۳
۱	-۲۳۸	۱	-۲۰۴	۱	-۱۷۰	۴	-۱۳۶	۱	-۱۰۲	۳	-۶۸	۴	-۳۴

۵۴۵

